

سرمقاله

رکود سیاسی یافت موقتی

تحولاتی که از نخستین روزهای تیرماه به وقوع پیوسته است، بیسوسش دیوانه و ارجا کمیت به نیروهای انقلابی ترورو اعدا میهای پی در پی، اخراج دستجمعی کارگران و بازداشت آنها، مملو شدن زندان ها از هزاران نیروی انقلابی، موج ارجاب و وحشت حاکم بر جامعه، و بالاخره افت اعتراضات و مبارزات آشکار توده ها این سؤال را در برابر ما قرار میدهد که آیا جنبش توده ای بسوی یک رکود سیاسی طولانی پیش میرود یا اینکه تحت تاثیر عوامل ذهنی یک رکود موقت و کوتاه مدت را از سر میگذراند.

بقیه در صفحه ۲

جمهوری اسلامی و انتخابات ریاست جمهوری

در همه جا به شکا را انقلابیون و سرکوب خشت آ میز و بیرحمانه هرگونه جنبش اعتراضی و هرمدای حق طلبانه بر داخته اند.
حزب جمهوری اسلامی که با بر کناری پشی صدر به یکی از آرزوهای دیرینه خود جا به عمل پوشانیده بود، اکنون کام اساسی خود را بجلو برداشته بقیه در صفحه ۳

در حدود یک هفته دیگر، برای دومین بار انتخابات ریاست جمهوری از جانب رژیم جمهوری اسلامی برگزار میشود این انتخابات در شرایطی صورت میگیرد که موجی از سرکوب و کشتار، بازداشت های دستجمعی و اعدام های بدون محاکمه از جانب رژیم جمهوری اسلامی در سراسر کشور بر راه افتاده و نیروهای انتظامی و امنیتی رژیم یکمک باند های سیاه

خمینی چه گفت؟ خمینی چه کرد؟

صفحه ۱۰

توده ها در انتخابات مجلس بی اعتبار شرکت نخواهند کرد

رژیم جمهوری اسلامی اعلام کرده است انتخابات میان دوره ای شهر تهران و چند شهر دیگر (برای انتخابات ۲۶ حوزه) همزمان با انتخابات ریاست جمهوری در دو مرداد انجام میشود. از مدت ها پیش حزب جمهوری اسلامی با پشی نتیجه رسیده بود که بعلمت وضعیت جامعه و از دست دادن حمایت توده ای با سانی نمیتوانند گاندگانی خود را از مندوقها بیرون آورد و از این جهت از انجام انتخابات با طفره میرفت. حزب میدا نیست که تنها در شرایط اختناق خواهد توانست با تکیه بر ترورو وحشت و ارجاب انتخابات را بشفخ خودش سر هم بندی کند.

بقیه در صفحه ۹

عقب نشینی موقت کارگران تعرض گسترده آنها را در پی خواهد داشت

قوانین ارتجاع و قرون وسطائی را که با داورد دوره انکیزاسیون و تفشیش عقاید و حکومت کلیسا در غوب است، حاکم کرده، حکومتی که اعتراض کارگران را با گلونه پاسخ میدهد و هر مخالفی را بنام با غی، با غی، ملحد و مفندقی الارض به زندان می افکند، شکنجه می کند و گروه گروه به جوخه های اعدام می سپارد.

بقیه در صفحه ۷

طبقه کارگران ایران مراحل گوناگونی را از سر گذرانده و تحارب بسبب گرانقدری کسب کرده و اینک دیکتا سوری و حکومت ترورو اختناق را که متکی به هیچ قانونی نیست و هیچ جدو و مرزی را در سرکوب و کشتار کارگران مبارز توده های زحمتکش، نیروهای انقلابی و خلقهای تحت ستم رعایت نمی نماید، تجربه می کند. حکومتی که بنام مستضعفین و تحت پوشش مذهب

در این شماره

● اخبار کوتاه کارگری

● جنبش جهانی

● اخبار کودکان سستار

● پاسخ به سئوالات

خطاب به تمام رفقا و همواران سازمان

کننده و هم چنین هواداران مشکلاتی را پدید خواهد آورد، لازم دانستیم به تمام رفقا و هواداران سازمان یادآوری - شما شیم که از این تاریخ نشریه کار را محانا در اختیار هم میهنان مبارز قرار دهند تا توزیع نشریه به سبب ولت انجام پذیرد.

لازم به یادآوری است که هم میهنان انقلابی چه مربوط به نشریه را با تضام که مربوطه آنرا از هر طریق که بتوانند به سازمان برسانند.

علیرغم مشکلاتی که رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی برای نیروهای انقلابی پدید آورده است تا شاید ارتباط این سازمانها را با توده های مردم بگسلد، اما از آنجا که امر تبلیغ و ترویج یکی از وظایف مبرم و همیشگی انقلابیون را تشکیل میدهد ما قاطعانه تلاش خواهیم کرد به هر وسیله که شده، حبله رژیم را در نقطه خفه سازیم و بهر صورتی که شده ارگان سازمان کار را بدست هم میهنان مبارز برسانیم. اما از آنجا که فروش نشریه در این شرایط برای رفقای توزیع



رکود سیاسی

پایانه

طبقاتی و خلاصه مجموع شرایط اقتصادی - اجتماعی پس از قیام بوده است سرشار از درگیریها و کشمکشها پیش رویها و عقب نشینی های مکرر انقلاب و ضد انقلاب بوده است. یک چنین شرایط و دورانی که نیروهای اجتماعی را بر عرصه مبارزه فعال و درگیریهای سیاسی حاد گذاشته است، از ویژگیهای یک دوران انقلابی و بیداری بوده است. تحت یک چنین شرایطی هیچگونه نمیتوان از یک رکود سیاسی حاکم بر جنبش سخن گفت بلکه با لمس مختل ترین حالت اوج گیری جنبش اعتراضی و آشکارساز توده ها، و احیاء مجدداً شکل مبارزه کاملاً انقلابیست. سواى این غرور و ویژگی، شرایط اقتصادی و سیاسی لحظه کنونی نیز هیچگونه دلیلی مبنی بر حاکم شدن یک رکود سیاسی طولانی بر جنبش ارائه نمى دهد. کسی که به ماتریالیسم تاریخی معتقد باشد نمیتواند با توجه به بحران اقتصادی و وخیمی که بیانگر گندیدگی سیستم و جدت تضادهاست و همه ارکان زندگی اقتصادی جامعه را فرا گرفته است و اثرات مخرب خود را بر زندگی توده ها بر جای گذاشته است از یک رکود سیاسی طولانی سخن گوید. آنچه که الزاماً توده ها را بر مبارزه فعال می کشاند در همین تضادها و تحمل ناپذیری شرایط مادی زندگی آنهاست. امروز شرایط قزاینده توده ها، فقر مطلق و نسبی و بیکاری میلیون ها انسان واقعیتی است که هیچکس نمیتواند منکر آن شود، شما می شواهد موجود در نشان می دهد که حاکمیت کنونی نتوانسته است حتی یک گام، تسکین در جهت حل این بحران بلکه تخفیف آن بردارد.

دلایل این امر قبل از هر چیز در اوضاع سیاسی موجود و فعال بودن توده ها در عرصه مبارزه سیاسی نهفته است. مبارزات لایق قطع توده ها و ضرباتی که این مبارزات بر پرده سیستم اقتصادی و اجتماعی موجود وارد آورده است، به حاکمیت امان نداده است که بتواند به نحوی به ترمیم و بازسازی سیستم مبادرت ورزد که عملکردش را آنرا تا مین کند. یکی دیگر از عواملی که اختلالات جدی در سیستم اقتصادی موجود پدید آورده است و به تشدید بحران و نه حل آن انجامیده است تضاد میان سرمایه به جاری و صنعتی است. در نظام سرمایه داری، سرمایه به جاری الزاماً با بدنام سرمایه صنعتی باشد. اما امروز در جامعه ما شرایطی پدید آمده است که سرمایه به جاری می گوید، سرمایه صنعتی را تابع خود سازد. این امر در همان حال که تضاد میان جناحهای بورژوازی را تشدید می کند تا حد زیادی سیستم اقتصادی موجود را دچار اختلال می کند. تضاد میان روینای سیاسی و زیربنای اقتصادی خود عامل دیگری در جهت تشدید بحران موجود تشدید تضادها و اجتماعی و گسترش مسجوع اعتراضات توده ایست. شرایط مادی تولید بورژوازی، مناسبات بورژوازی تولید، روینای سیاسی خاص خود را می طلبد.

با طرح بهین سوال مستلزم بررسی اوضاع اقتصادی - اجتماعی و سیاسی غده و ویژگی شرایط کنونی، و چشم انداز تحول آتی اوضاع است. نخستین مسئله ای که در ارزیابی جنبش توده ای و مسیر تحول این جنبش باید بدان توجه داشت قانونمندی حاکم بر جنبشهای توده ای در مراحل جزئیات مدای نیست جنبشهاست. بر جنبش توده ای همانند هر پدیده اجتماعی دیگر قوانینی حاکم است که این قوانین بطور عینی و مستقل از اراده و شعور انسانها عمل می کنند. قانونمندی حاکم بر جنبشهای توده ای به ما می آموزد که تحت تاثیر رشد تضادهای اجتماعی و با تخفیف آنها که از حرکت نیروهای مادی جامعه ناشی میشود در هر مرحله از تکامل اجتماعی جنبش در کلیت خود در مرحله جزئیات مدای صعود با نزول خود قرار دارد. در مرحله معینی از تکامل جامعه، رشد تضادهای اجتماعی به نفع مرحله ای از تکامل خود میرسد که یک دگرگونی کیفی در مبارزات طبقاتی توده ها می آورد. و در رفتار و روحیات آنها پدیده می آورد. نیاز به تغییر در ساخت اجتماعی و رها کردن نیروهای مولده از قبیل مناسبات بازمانده، نیروهای حامل این تغییر را و امیدوار که در جهت دگرگونیهای اساسی بیاخیزند.

توده ها از انفعال دیرین و خواب طولانی بیدار میشوند و رکود سیاسی جای خود را به جنبشهای وسیع اعتراضی و اشکال مبارزات کاملاً آشکارا انقلابی میدهد. اما در شرایطی که رشد تضادهای هنوز در مرحله ای نرسیده اند که ضرورت دگرگونی نظام اجتماعی را بصورت امری فوری در دستور قرار دهد، در مجموع رکود سیاسی بر جنبش حاکم است. این رکود سیاسی، این بی تفاوتی و انفعال، این فقدان مبارزات کاملاً آشکارا و انقلابی توده ها تا به قوانینمندیهای عینی است. بنا بر این بدون آنکه متکثر نقش عامل ذهنی در مسیر تکامل تاریخ شده باشیم و با تاکید بر ارتباط و تاثیر متقابل و دیاکتیکی عوامل عینی و ذهنی، به تائید بر تاثیر عوامل ذهنی بر عامل عینی در جهت تسریع یا کند کردن پروسه تکامل پدیده های اجتماعی، باید گفت که شرایط عینی حاکم بر جامعه ما، رشد تضادهای اجتماعی و بحران عمیق و فلج کننده اقتصادی و وضع عوام عینی است که در ارزیابی وضعیت جنبش توده ای نقش تعیین کننده دارند و هرگونه رکود سیاسی یا فعال شدن جنبش ارتباط لایق با عوامل فوق الذکر دارد. این عوامل در زمره عوامل اصلی و علل زرف تعیین کننده جنبش توده ای هستند اما دیاکتیکی تکامل به ما می آموزد که در هر مرحله صعود یا نزول جنبش توده ای افت های موقتی یا همیشگی های سریع نیز وجود دارد که تحت تاثیر عوامل مختلف به ویژه عامل ذهنی قرار می گیرند و شکل نه نه در یک مسیر و مستقیم و بدون زیگزاگ بلکه شواخ و با عقب نشینی و پیشروی و افت و خیزهای مکرر صورت می گیرد. در هر مرحله جزئیات مدای جنبش توده ای علیرغم راستای واحدی که تسکین می کند سرشار از زیگزاگها و حرکات مارپیچی تکاملی است. دورانی که مادران سر میبریم به نحو بارزی این خصوصیات را به ما نشان می دهد. ما تا کنون در نوشته های مکرر، به خود ویژگی شرایط کنونی که عرصه درگیری میان انقلاب و ضد انقلاب بوده است، اشاره کرده ایم. این خود ویژگی که ناشی از نشام ماندن انقلاب تراز نیروهای

هر آنچه گندیدگی نظام سرمایه داری، گرایش با رجوع سیاسی و نقش بیشتر مذهب را در روینای سیاسی ایجاد کند، تلفیق آشکارا بین سیاست و دفاع از منافع قشری روحانیت و بهانه به مذهب در عرصه های اجتماعی نمیتواند به ما تعلیم جز تشدید بحران اقتصادی و سیاسی موجود منجر گردد. همه این شواهد نشان می دهد که حاکمیت موجود قادر به حل بحران کنونی و تخفیف تضادهای مادی جز تشدید تضادهای اجتماعی و جنبش آشکارا و انقلابی توده ای منجر گردد.

موقعیت سیاسی هیئت حاکمه نیز تشدید بحران سیاسی و تشدید نا رضایتی عمومی را نشان می دهد. حزب جمهوری اسلامی که علیرغم تمام ناتوانیهای خود در حل بحران موجود، بنا به شرایط سیاسی حاکم بر جنبش، توانسته است قدرت سیاسی را قبضه کند قاذبه حاکم بحران سیاسی و تخفیف نا رضایتی عمومی نیست. این حزب که اکنون در عرصه مبارزه میان دوگرایش در احزاب بورژوازی بر لیبرالها فائق آمده و آنها را از آخرین مواضع قدرت پیروزی رانده است، علیرغم اینکه تاحدودی برخی از تضادهای درونی قدرت حاکم را حل و پاره ای را نیز تخفیف داده است بیش از پیش به بحران سیاسی موجود دامن زده است. زیرا در شرایط بحران اقتصادی و سیاسی موجود این حزب گرایش را نمایندگی می کند که بسوی سلب حقوق دموکراتیک و آزادیهای سیاسی، بسوی دیکتاتوری آشکار و علنی، بسوی قهر و سرکوب و بسوی مذهب تمایل دارد. این حزب برخلاف گرایش لیبرالی که می گوشت از گانگال تکیه بر ملیت گراشی و دمکراسی کا بدست به تصمیم توده ها بزند و مقری از بحران موجود بیاید تنها زبان زور و سرکوب را در می می کند. طبیعی است این سلب آشکار حقوق توده ها، این تمایل آشکار به دیکتاتوری آن چیز است که به ویژه به توجه به وضوح اوضاع اقتصادی، به توجه به دورانی که جامعه ما در آن بسر می برد و آگاهی توده ها به حقوق خویش، توده ها را در تقابل و روبروی مستقیم با آن قرار می دهد. حزب جمهوری اسلامی نمیتواند حزب حاکم نه تنها در تلاش است که آزادیها و حقوقی را که توده ها طی مبارزه انقلابی خود کسب کردند، بکلی از آنها باز پس گیرد، حتی در برخی از زمینه ها نسبت به گذشته نیز گامی به عقب نهاده است. هم اکنون اقلیتهای مذهبی از ابتدائی ترین حقوق مذهبی اجتماعی خود محروم شده اند. حقوق اولیه زنان از آنها سلب شده است و قوانین قرون وسطائی بیش از پیش به مردم تحمیل می شود. حزب جمهوری اسلامی در روزهای اخیر یک جنبه صلیبی را علیه کارگران و روشنفکران انقلابی آغاز کرده است و مسجوع کشتار و با زداشتهای دستجمعی را با بمبارانهای سابقه ای رسانده است تا با ایجاد محیط رعب و وحشت مانع از اوج گیری مبارزات توده ها گردد. اما این اقدامات در شرایطی که رژیم از حداقل رفاههای اقتصادی - اجتماعی عاجز مانده است، در شرایطی که توده ها به میزان زیادی نسبت به آن زدوده شده است، بهوض رکود طولانی نشمارد و خشم توده ها را برخواهد انگیزد، بهسر نا رضایتی و گسترش و تکامل اشکال مبارزات آنها خواهد افزود و بحران را تشدید



جمهوری اسلامی و انتخابات ریاست جمهوری

بقیه از صفحه ۱

و با تشدید بی سابقه خواستهای انقلابی و آماج اصلی تهاجمات ضد انقلابی خویش قرار داد و با این ترتیب یکبار دیگر ما هیت واقعی خود و خصوصیت اصلی رژیم یعنی تعارض و تضاد ذاتی نا پذیر آن با ابتدائی ترین حقوق اجتماعی و سیاسی بوده ها را به آشکارترین شکل در برابر دیدگان همه مردم متمهیده میهنمان به نمایش گذاشت.

عزل بنی صدر از مقام ریاست جمهوری و سپس صدور حکم دستگیری وی بیاثرگزار بود که رژیم جمهور اسلامی نه تنها دشمن هر نوع آزادیخواهی و دموکراسی است بلکه دارای محتوای انقلابی و سرشتی مردمی است، بلکه حتی با موری ترین نوع دموکراسی نیز رزواشی که - لیبرالها طاعت آنند نیز نامتناهی است. بنا براین در شرایطی که حزب جمهوری اسلامی قدرت را بطور کامل در اختیار خود گرفته و تمام مخالفین سیاسی خویش را از دور خارج کرده، از پیش واضح است که یککسی از مهره های اصلی این حزب بر منصفد ریاست جمهوری نیز نخواهد نشست و این تنها به توده ها اجازه میدهد که از روی تجربه، سیاسی خویش درک کنند که دیگر رژیم جمهوری اسلامی از "جمهوریست" تنها نام آنرا یک می کشد.

انتخابات ریاست جمهوری بونه آزادی خویش برای اشیات صحت این امر خواهد بود.

اکنون رژیم جمهوری اسلامی از یکسوی است ایستاده و محیط اطراف و وحشت را داده و از طریق عملیات سرکوبگرانه با ساداران و کمیته ها و باندهای سیاه و نیز اعدام های بدون وقفه نیروهای انقلابی می کوشند هرگونه جنبش اعتراضی را در نقطه خفه سازد، و از سوی دیگر با بسط دامنه فعالیت های تبلیغاتی خود، هنوز میخواهند چنین وانمود کنند که انتخابات در شرایط آزاد صورت گرفته و با مطلق دسالت "قانون" میزان رای مردم خواهد بود.

کشان دادن توده ها به پای صندوقهای انتخابات، اینبار برای رژیم جمهوری اسلامی از ارزش و اهمیت بسیار برخوردار است. درحالی که انتخابات خود رئیس جمهور فاقد چنین ارزشی است. البته وزارت کشور اینبار برخلاف گذشته کوشیده است جانب احتیاط را بیشتر رعایت کند و به همین دلیل اول از اعلام آسای گانندیدها پیش از تأیید صلاحیت آنان اجتناب نموده و ثانیا "مجلسی میکند حتی امکان اعلام آسای سیاسی گانندیدها را تأیید شده را نیز به عقب بیندازد تا بدین ترتیب از نتایج مطلوب و مورد نظر خود در این انتخابات کاملاً مطمئن گردد.

اما نکات فوق تنها جنبه های فرعی مسئله را تشکیل میدهند. همانطور که در بالا اشاره کردیم جنبه اصلی برای رژیم کشان دادن توده ها به پای صندوقهای انتخابات است. تبلیغات وسیع و فریبنده سیاسی با تهیج مذهبی که با توجه به ماه رمضان از بردیشتی بر خوردار خواهد بود و حتی اعمال انواع فشار و اجبار اداری و غیره، همه و همه در

خدمت این هدف قرار دارند. رژیم میخواهد هر چند با ظاهری جنبش و انمود کند که سیاستهای اعمال شده و جناحیها که در مورد اعصاب و هواداران مجاهدین و فدائیان و سایر نیروهای انقلابی انجام داده و میدهد مورد تأیید و حمایت بوده است و از جانب دیگر و میخواهد نشان دهد که گویا برکناری بنی صدر استکبارانه و خواست حقیقی توده ها نبوده و این مردم هستند که رای خود را نسبت به ریاست جمهوری بنی صدر پس گرفته و آنرا بحساب رهبران حزب جمهوری اسلامی گذارده اند.

اما ارزیابی علمی و واقعی وضعیت موجود بر مبنای فاکتورهای عینی گویای آنست که اینگونه تلاشهای رژیم با اساساً به شکست خواهد انجامید. بدون شک اکثریت توده های مردم در این انتخابات شرکت نخواهند کرد. تاریخ جنبشهای توده ای و سوسیال تاریخ جنبش توده ای ایران در چندین ساله اخیر بخوبی این اصل علمی را ثابت کرده اند که شرایط مادی زندگی توده ها همواره بسیار نیرومندتر از آسایشی از تبلیغات و سخنرانی ها و شمارها است. تبلیغ و شمارها اندازه هم که عوام فریبانه باشد نمیتوانند برای همیشه توده ها را از فعالیت انقلابی بازدارند. آنان در تجربیات چند ساله اخیر درسهایی فراوانی آموخته اند که با سانی فراموش نخواهند کرد. این واقعیت بی چون و چرا این است که ناراضی عمومی شدت رشد کرده و اکثریت مردم خوشبینی قبلی خود را نسبت به رژیم از دست داده و اکنون دره ای هم مشتاق نیستند که با شرکت در چنین انتخاباتی - درحالی که نتیجه قطعی آن چیزی جز بسط حزب جمهوری نخواهد بود - شرایط را جهت دست یافتن به خواسته های اساسی خود مهیا خواهند کرد اگرچه در لحظه کنونی اقت موقت بر جنبش توده ای حاکم گردیده است اما روانشناسی اجتماعی توده ها که خود بازتابی از وضع زندگی و درجه آگاهی سیاسی آنان است نشان میدهد که شرکت در انتخابات برای اکثریت توده ها امری بیهوده و غیر قابل قبول است.

میتوان پیش بینی کرد که تجار و سرمایه داران هوادار حزب جمهوری اسلامی و معتقد به ولایت فقیه و نیز بخشهای عقب مانده خرده بورژوازی - سنی ایران و همچنین بسیاری از لیبرالهای وامانده، ترسو و مردد که معمولاً در یک چنین شرایطی بدنبال قدرت کشیده میشوند، طیف نیروهای اجتماعی هستند که با استقبال انتخابات کنونی خواهند رفت با این مجموعه یابور تونیستهای موثق حزب جمهوری یعنی حزب توده "اکثریت" را نیز که سیاست شرکت در انتخابات را در پیش گرفته و بدنبال این خیل روان خواهند گشت، افزود.

کمونیستها و دموکراتهای انقلابی همصدا با هم توده های میهنان را به تحریم انتخابات ریاست جمهوری دعوت میکنند و بدینوسیله اعتراض همگانی و متحد خود را علیه سیاستهای ضد دموکراتیک رژیم جمهوری اسلامی اعلام میکنند.

خلفای رزمنده ایران بر علیه استقرار دیکتاتوری بیاخیزید

حاکمیت سال هرا سال "حاکمیت قانون" نامید و بدنبال آن "لایحه احزاب" را در جهت تحکیم منافع خود و سازشکاران عرضه نمود. لایحه ضد بشری "قما" را تدوین نمود تا بهمورد قانونی بتواند در تداوم حق طلبی را در گلو خفه نماید. کلیه وسائل ارتباط جمعی (رادیو - تلویزیون، روزنامه ها) را در انحصار خویش درآورد تا با ایجاد جو خفان کلیه اعمال ضد بشری و قراردادهای خدا میر با لیبشاش!! در پشت پرده مخفی بماند و کار را را بدینا کشاند که حتی افرادی که در اعمال گذشته اش سهیم بودند بطور "قانونی" کار گذاشت.

ترش و وحشت رژیم را وادار به اعمال جنون آمیز بیشتری کرد. فرزندان رزمندگان و دلیر خلق را چون معلوم مبارز سیدسلطانپور و محسن فاضل که سالها در زندانهای رژیم منفور پهلوی در زیر سخت ترین شکنجه های جلادان ساواک بودند بدلائل واهی و بدون محاکمه به جوغه اعدام سپرد. حتی از اعدام افراد نابالغ هم دداری نکرد. کلیه این اعمال را نشانه عدالتی که وعده اش را داده بود، دانست. این است سال حاکمیت قانون! اهدای رژیم جمهوری اسلامی! اما مبارزات پیگیر ملت بهرمان ایران و سرنگونی رژیم پهلوی نشان داده است که این ملت زیرستمی کند زندگی "اگر آنها توانستند این نسا را در گلو خفه نماسند رژیم کنونی هم موفق خواهد شد.

مردم مبارز و قهرمانان ایران! هم اکنون بسیاری از فرزندان مبارز شما در زیر سخت ترین شکنجه ها قرار دارند. دختران رزمندگان شما را با ساداران انقلاب مورد تجاوز و وحشیانه قرار میدهند. بهر طریق که میتوانند از فرزندان در پسند خود دفاع نمائید. در انتشار اخبار واقعی بکوشید، تبلیغات مسموم و غیر واقعی رژیم را خنثی نمائید. با شرکت در تشکلهای واقعی خود، اعتراضات خویش را هر چه بیشتر گسترش دهید.

کانون مستقل معلمان تهران، ضمن معکوم نمودن اقدامات ضد دموکراتیک رژیم از مبارزات حق طلبانه مردم رزمندگان ایران در جهت کسب حقوق و آزادیهای پایمال شده دفاع نموده و همبستگی کامل خود را اعلام مینماید.

کانون مستقل معلمان تهران

۱۳۶۰/۴/۱

همدان

بقیه از صفحه ۲۰

جمعه دوازدهم تیرماه بهمن از سرگزار مراسم نماز جمعه در همدان، به فرمان امام جمعه شهر و طبق برنامهای از پیش تعیین شده شرکت کنندگان در نمازخانه های مردم حمله می برند و همه چیز را به هم می ریزند. در این حمله همه مورد یورش قرار می گیرند از مردم عادی گرفته تا نیروهای سیاسی، طبقاتی فرمان امام جمعه و برنا مدبرانی قبلی هرکس در نماز شرکت نداشته مورد یورش حزب الهی ها قرار می گیرد.

استقلال۔ کار۔ مسکن۔ آزادی

اخبار کوتاه کارگری



سرکوب توده ها

* یورش وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی به حقوق دمکراتیک توده ها، اعدامهای دسته جمعی انقلابیون و هواداران - سازمانهای سیاسی، سازماندهی و بسیج باندهای سیاه و... موج نفرت و انزجار توده های زحمتکش میهنمان را برانگیخته است. در کارخانه، محله و هرکوی و هرز صحبت از بازگشت اختناق، اعدامهای بدون محاکمه، دستگیریها و... است. کارگران با بهت و ناباوری به اقدامات ضد خلقی جمهوری اسلامی - مینگردند و توهمشان نسبت به کمیت از بین میرود. در این میان مدیران کارخانه ها و انجمنهای اسلامی برای در دست گرفتن اوضاع و ایجاد آرامش -

برای سرمایه داران که همان ایچمن است، اختناق و سرکوب خواسته های کارگران است. از هر جریه ای بهره گرفته اند. تفتیش بدنی، کتک زدن، کارگرانی که با جمهوری اسلامی مخالفت میکنند، تشکیل گروه ضربت و اخراجهای دسته جمعی، دستگیری و زندانی کردن نمایندگان مترقی شوراها و کارگران پیشرو شیوه ها نیست که به وسیع ترین شکلی در کارخانه ها اعمال می شود.

* در شرکت واحد تاریخ ۴/۱۳ بدستور مدیریت عده ای از اعضای شورای مرکزی دستگیر شده اند. همچنین مدیریت ضمن باز دید از تعمیرگاه ۶ حکم اخراج یکی از اعضای شورای این تعمیرگاه را صادر کرد.

* در کارخانه جنرال موتورز بدست سال تهدید یکی از اعضای انجمن اسلامی مبنی بر اخراج کارگران از روز ۴/۱۳ دستگیری کارگرانی که از ۲ سال پیش اسمشان در لیست انجمن اسلامی بود شروع شد. اول صبح جاسوسان انجمن اسلامی جلسوی در ورودی کارخانه ایستاده بودند و از ورود کارگرانی که اسمشان در لیست بود به کارخانه جلوگیری میکردند و آنها را بداخل یک جیب و اتوبوس سرویس کارخانه نشانده و به دادستانی بردند.

در آن روز حدود ۱۰۰ نفر از کارگران، کارمندان و مهندسان دستگیر شده اند. گفته میشود در چند روز آینده حدود ۱۰۰ نفر دیگر دستگیر خواهند شد.

در بنر خاور یکشنبه ۴/۷ پاسباران به راهنمایی ۳ نفر از اعضای انجمن اسلامی کارخانه به خانه یکی از نمایندگان شورا میروند در مقابل اعتراض همسر و فرزندان تهدید می کنند که او را از طبقه سوم به پائین پرت خواهند کرد. کارگران پس از شنیدن خبر دستگیری نماینده شورا طوماری با امضای اکثر کارگران کارخانه تهیه کرده و خواستار آزادی نماینده شورا میشوند. کارگران میگویند

اگر نماینده خرمی مرتکب شده باشد در حضور آنها محاکمه شود. آنها برای آزادی نماینده شان تا روز شنبه بدولت وقت داده اند و در صورت آزاد شدن او او را اعتبار خواهند کرد. انجمن اسلامی علاوه بر این اساسی ۵۴ نفر دیگر از کارگران و کارمندان را به مدیریت داده است.

در کارخانه تولید ارو، دن با کمترین دارو پخش انجمن اسلامی کارگران را تفتیش بدنی می کنند. در دارو پخش کارگری که به اعمال حزب جمهوری در رابطه با بنی مدرونیروهای انقلابی معترض بود، به وسیله انجمن اسلامی شدیداً کتک خورده. در ایران تا سوسنال کارگری را که بعد از شنیدن خبر ترور خا منهای خوشحالی میگردد، بدفتر انجمن صدا کرده و شدیداً کتک زده اند.

* در راه آهن اعلامیه ای با امضای "کردان انتقام حزب الله" داده شده که با امضای ۲۳ نفر از کارکنان در آن نوشته شده ضمن تهدید همگی این عده به مرگ از آنها خواسته شده که استعفا کنند.

در بار چین، ۳۷ نفر از کارکنان دستگیر شده اند. در دیگر کارخانه های صنایع دفاع نیز تا بحال حدود ۲۰ نفر دستگیر شده اند.

* در گروه زامیا حدود ۳۶ نفر از کارگران جلوی در کارخانه بازداشت شده و از آنها مستقیماً "به دادستانی برده شده اند. هم چنین یکی از کارمندان کارخانه زر - بنام ابراهیمی به جرم طرفداری از سازمان مجاهدین در زندان اوین تیرباران شد.

کارگران مبارز! برای دفاع از دستاوردهای قیام خونبار بهمن ۵۷ و غنشی کردن توطئه اختناق و سرکوب حزب جمهوری اسلامی متحد و یکپارچه به مقابل با اخراج و دستگیری کارگران آگاه و پیشرو - خیزیم.

انتخابات را تحریم کنید

هموطنان مبارز!

انتخابات ریاست جمهوری و انتخابات میاندوره ای مجلس شورای اسلامی در شرایطی برگزار میشود که رژیم جمهوری اسلامی ابتدائی ترین حقوق و آزادیهای سیاسی توده های مردم را کدمال کرده است. هزاران تن از فرزندان انقلابی خلق دستگیر و بازداشت بسر میبرند. همه روزه تعدادی از انقلابیون اعدام میشوند. مطبوعات و نشریات مخالف تعطیل و توقیف شده اند. احزاب و سازمانهای سیاسی از حق فعالیت علنی محروم شده و عملاً "غیر قانونی" اعلام شده اند. تظاهرات، راهپیماییها، میتینگ ها و سخنرانیها ممنوع شده است آزادی بیان و آزادی عقیده بکلی از میان رفته است. هرگونه اعتراض کارگران، دهقانان و دیگر اقشار زحمتکش میهن ما قهرآمیز سرکوب میشود.

هموطنان مبارز! رژیم جمهوری اسلامی که طی دو سال و نیم حکومت خود جز فقر، گرانی، بیکاری، جنگ و آوارگی ارمغانی برای مردم نداشته است. اکنون که در برابر رشد نا رضایتی مردم سقوط حکومت خود را نزدیک می بیند، به سیاست ترور و سرکوب و دیکتاتوری آشکار متوسل شده و می کوشد با ایجاد محیط رعب و وحشت توده ها را از حرکت انقلابی بازدارد.

هموطنان مبارز! دو سال و نیم حکومت جمهوری اسلامی به شما نشان داد که قول و قرارهای حکومت جز وعده و وعیدهای پوچ و فریبنده چیزی نبوده است. تجربیات دو سال و نیم گذشته به شما نشان داد که انتخابات رژیم جمهوری اسلامی فریبی بیش نیست. شما در فرا اندوم جمهوری اسلامی، در انتخابات مجلس خبرگان، در انتخابات شورای اسلامی، در انتخابات رئیس جمهور و... شرکت کردید با این امید که پس استقرار این نهادها خواسته های شما برآورده شود. اما در عمل تجربه کردید که هیچیک، یک گام عملی در جهت منافع شما برنداشتند. بسر کناری بنی صدارت جمهوری نیز یک تجربه دیگر بود و شما در عمل دیدید که رژیم حتی به انتخابات قلابی خودش هم پایبند نیست. هموطنان مبارز! رژیم جمهوری اسلامی نه میخواهد و نه میتواند درخواستهای مردم را برآورده سازد. ادا مهیبات این حکومت یعنی ادا به فقر، بدبختی، بیکاری، اختناق، جنگ و آوارگی با تحریم انقلابی انتخابات، انزجار و نفرت خود را نسبت به رژیم موجود نشان دهد. در انتخابات شرکت نکنید، مبارزه خود را علیه رژیم جمهوری اسلامی شدت بخشید و در راه ایجاد دیکتاتور و دیکراتیک و انقلابی، که متکی به شورا های انقلابی توده ایست مبارزه کنید و حکومت دخواه خود را ایجاد کنید.

مرگ بر حزب جمهوری اسلامی، زنده باد شورا های انقلابی، پیش بسوی تشکیل مجلس مؤسسان

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
۲۰ تیرماه ۱۳۶۰

افزایش دستمزدها، قطع اضافه کاری، استخدام بیکاران



۲۳ تیر سالروز اعتصاب نفتگران را گرامی داریم و اپورتونیسیم حزب توده را افشا کنیم

۲۳ تیر ماه سالروز اعتصاب خونین کارگران صنعت نفت جنوب است. اعتصابی که در سال ۱۳۳۵ با شرکت ۱۵۰ هزار نفر از کارگران جنوب شکل گرفت و با همکاری نیروهای ارتجاع داخلی، استعمار - انگلیس و حزب توده ایران به شکست انجامید. بررسی چگونگی شکل گیری این اعتصاب، که در نوع خود در تاریخ جنبش کارگری ایران بی نظیر است، مستلزم بررسی اوضاع سیاسی ایران در آن زمان بطور کلی و جنبش کارگری در طی سالهای ۲۵ - ۴۰ است.

الف اوضاع سیاسی

میدانیم که پس از شهریور ۱۳۲۰، زمانی که ایران به اشغال متفقین درآمد، - دیکتاتوری رضا خانی نیز شکسته شد و به دنبال آن محافل جمعیت های اجتماعی و سیاسی یک شبه مثل قارچ از زمین سر بر آوردند. در این زمان بود که تنی چند از افراد گروه ۵۳ نفر، با زماندگان حزب کمونیست ایران و چند نفر از دموکرات های لیبرال آن زمان بعنوان مؤسسين حزب توده موجودیت حزب را اعلام کردند. در این ایام با ورود ارتش های خارجی اوضاع اقتصادی بشدت روبه وخامت نهاد. آثار اقتصادی جنگ بمعنی واقعی آن در ایران آشکار شد، ارزاق عمومی بشدت کم یاب بود و نشانه های فحطی در شهر و روستا دیده میشد.

شرکت انگلیسی نفت در جنوب کما - کان به غارت و بیچاره منابع خام ایران و استعمار کارگران ایرانی، هندی و آفریقائی شاغل در صنعت نفت ایران ادامه میداد. بر بستراین اوضاع و احوال بود که حزب به سرعت رشد یافت و به مهم ترین جریان سیاسی تبدیل شد.

حزب توده از همان ابتدا بدون توجه به اوضاع داخلی ایران، رشد جنبشش توده ای، جنبش کارگری و مبارزه ضد - امپریالیستی در میهن ما، نزدیک - نا کینکی روسیه شوروی و امپریالیسم انگلیس را میداد. اتحادات کینک های خود قرار داده و در برابر امپریالیسم انگلیس و اکثرتشان نمیداد. حزب که در این زمان فاقد هر گونه استراتژی ملی بود کورگورانه سیاست های بین المللی حزب کمونیست اتحاد شوروی را دنبال میکرد و از مبارزه جدی با ارتجاع داخلی و استعمار انگلیس سر باز میزد. نتیجه این سیاست ها چنانچه خواهیم دید، وارد کردن ضربات اساسی به جنبش کارگری ایران بود.

ب وضعیت جنبش کارگری

در خلال سالهای ۲۵ - ۴۰ جنبش کارگری در ایران به سرعت رشد یافت و در

پروسه رشد خود منجر به تشکیل شورای مرکزی اتحادیه کارگران ایران شد که تا سال ۱۳۳۵ تعداد اعضای آن به ۴۰۰ هزار نفر میرسید. اعتصابات کارگری هر روز گسترش می یافت. در این اعتصابات خواسته های اقتصادی و سیاسی مطرح میشد. در سالهای ۲۴ و ۲۵ اعتصابات کارگری در جنوب گسترش چشم گیری پیدا کرد و تقریباً "تمام نواحی جنوب را در بر گرفت".

حزب توده که رهبری شورای مرکزی اتحادیه های کارگری را در این زمان در دست داشت به خاطر سلطه انگلیسی بر صفحات جنوب تا سال ۲۵ اقدام به تشکیل اتحادیه در این نواحی نکرد. بود. اما مبارزات کارگران در سال ۱۳۳۵ - منجر به تشکیل اتحادیه در آبادان، آغا جاری مسجد سلیمان و سایر مناطق نفت خیز جنوب شد و این اتحادیه ها به شورای مرکزی پیوستند. در همین سال برای اولین بار اول ماه مه با شرکت ۸۰ هزار نفر از زحمتکشان خوزستان جشن گرفته شد و فردای آن کارگران پالایشگاه آبادان با طرح یک سری خواسته های اقتصادی - دست به اعتصاب زدند.

متعاقب آن از چهار دهم تابست و نیم اردیبهشت ماه ۱۰ هزار نفر از کارگران نفت آغا جاری نیز با طرح یک سری خواسته های سیاسی و اقتصادی دست به اعتصاب زدند. متجاوزان انگلیسی و دولت مرکزی که تلاش های شان برای سرکوب جنبش کارگری بی نتیجه مانده بود، مجبور به عقب نشینی شدند. آنها که از گسترش موج اعتصابات وحشت داشتند، خواسته های کارگران را پذیرفتند و از سوی دولت مرکزی لایحه قانون کار تصویب شد. در این لایحه علاوه بر اضافه دستمزد، ساعت کار، صندوق تعاونی کارگران - مواردی از قبیل یک روز مرخصی با حقوق در هفته، ۱۵ روز مرخصی با حقوق در حق تعطیل رسمی اول ماه مه با پرداخت حقوق پذیرفته شده بود. اما شرکت انگلیسی نفت از اجرای مفاد این لایحه سر باز زد و در عوض با بسیج عشا بر جنوب، مسلح کردن آنها و همکاری نزدیک با فرماندار آبادان، رؤسای شهر با نی مناطق نفت خیز - و استان را وقت خوزستان آماده سرکوب جنبش کارگری شد.

در ۱۱ تیر ماه ۱۳۳۵ مجدداً "اعتصاب با شرکت ۶ هزار نفر از کارگران آبادان شروع شد و بلافاصله به سایر مناطق سرایت کرد. اعتصاب نواحی زیادی از قبیل مسجد سلیمان، آغا جاری، دارخوین، کوت عبدالله، هفتگل، اهواز، بندر معشور و گچساران را در بر گرفت. شرکت نفت هم - چنان در برابر کارگران مقاومت میکرد و پرداخت حقوق روز جمعه را منوط به کسب اطلاع از لندن مینمود. جنبش کوشنده و پیرنویان پیش میرفت ۱۱۰ روز مهلت برای شرکت نفت در نظر گرفته

شد. روز ۲۳ تیر ماه بدنبال پایان یافتن مهلت ۱۱ روزه، اتحادیه کارگران نفت، در سایر مناطق نفت خیز جنوب اعلام - اعتصاب عمومی کرد. حدود صد و پنجاه هزار نفر به اعتصاب پیوستند. خواسته های آنان عبارت بود از: ۱ - برکناری استاندار و معذور خوزستان (مصباح فاطمی) ۲ - خلع سلاح "اتحادیه عشا خوزستان" ۳ - منع شرکت نفت از مداخله در امور داخلی ایران ۴ - تبدیل شرکت نفت به یک شرکت خالص تجاری ۵ - تعطیل شعبات سیاسی شرکت و اخراج سران آن از ایران ۶ - اجرای کامل قانون کار، اعتصاب مورد تهاجم نیروهای ارتجاع داخلی و استعمارگران قرار گرفت. در آبادان حکومت نظامی اعلام شد. پالایشگاه آبادان به اشغال سربازان درآمد. عمال اتحادیه عشا سربزه کارگران حمله کردند، نتیجه این حملات در روز اول این بود که ۴۲ کارگر شهید شدند. ۱۷۳ نفر زخمی و تعداد زیادی نیز دستگیر شدند. کارگران مردانه مقاومت میکردند. در شهر های دیگر اجتماعات و تظاهرات وسیع و به پشتیانی از کارگران نفت و علیه امپریالیسم انگلیس و دولت مرکزی - صورت گرفت. موج اعتصابات و تظاهرات دولت مرکزی را واداشت تا از طریق مذاکره مسئله را حل و فصل کند. به برای این کار قوام السلطنه هیئتی مرکب از اعضای دولت و نمایندگان شورای متحده مرکزی کارگران، که از اعضای حزب توده بودند به خوزستان اعزام داشت. آنها با وعده و وعید کارگران را به شکست - اعتصاب و بازگشت به کار دعوت کردند. و بدین گونه اعتصاب بزرگ کارگران صنعت نفت پایان یافت.

ج - اعتقالاتی جنبش کارگری

بررسی جنبش کارگری در این سالها (۲۵ - ۴۰) سرعت رشد، گسترش تشکیلها و اعتصابات کارگری نشان میدهد که جنبش کارگری در این مدت ویژگی های بارزی داشته است. گسترش زیاد، عمق و استمرار جنبش از خصوصیات این دوره بوده اند. اعتصابات که از یک نقطه شروع میشد و به سرعت به مناطق دیگر می گشت. تعداد - اعتصاب کنندگانی که به سرعت افزایش می یافت، یکی از اعتبارات که تقریباً تداوم دارد، حمایت کارگران در نواحی و مناطق دیگر که نشانه شکل سازمان - یافتگی صفوف متحد کارگران است و بالاخره عقب نشینی های پی در پی دولت مرکزی و شرکت نفت که با سرکوب های خونین قادر به جلوگیری از جنبش نیستند، از ویژگی های بارز این دوره اند. اما - همه این شواهد بر چند چیز دلالت دارد؟

پیروز باد مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلق های ایران

عقب نشینی موقت کارگران تعرض گسترده آنها را در پی خواهد داشت

بقیه از صفحه ۱

انجمنهای اسلامی شناخته شده بودند دستگیر و زندانی و یا اخراج شده اند. تحت این جو ارباب تاکنون کارگران ندرتاً به اعتراض گسترده و فعال علیه این تضيقات رژیم دست زده اند.

حزب جمهوری اسلامی و هدف اصلی رادار رابطه با دستگیری جمعی کارگران پیشرو - دنبال می کند، نخستین هدف وی ایجاد جو ترور و ارباب و جلوگیری از گسترش مبارزات ربه اعتلا کارگران است و دومین هدفش حذف کارگران پیشرو از مراکز کارگری است، چرا که بخوبی واقف است که کارگران پیشرو چه نقش ارزنده ای در سازماندهی اعتراضات کارگران، تنظیم خواستها و رهبری مبارزات کارگری بر عهده دارند.

بررسی عینی وضعیت جنبش کارگری در مجموع خود بسیار نگران کننده و مایه نگرانی است. کارگران است، ارزشهای عینی نشان میدهد که در برابر یورش سرکوبگرانه رژیم، کارگران بیک عقب نشینی نسبی تن داده اند. اینکه کارگران در برابر سرکوبگری دهها و صدها تن از همکارانشان حرکت اعتراضی می کنند، به مخالفت جدی با استقرار نیروهای مسلح در کارخانه ها و با رزمی بدنی کارگران نمی پردازند. در برابر یک تازیانه ای انجمن های اسلامی سکوت می کنند و غیره... همگی حاکی از این عقب نشینی نسبی است.

اما این عقب نشینی نسبی نمیتواند یک رکود طولانی مدت و یک شکست کامل ارزیابی نمود. این عقب نشینی موقت برای تجدید قواست این یک عقب نشینی موقت است تا جنبش با نیروی پیشرفته تر و بهر حال، گامی است به عقب نشینی جهشی بجلو داشته باشد. این را بررسی مجموعه شرایط اقتصادی اجتماعی و سیاسی و توازن نیروهای طبقاتی به عینه نشان میدهد.

توده ها بیش از پیش به برآورده شدن خواستهای واقعی شان توسط رژیم جمهوری اسلامی پی می برند، و به عدم امکان تغییر از بالا گامی می نمایند و بطور دم افزونی به درک ضرورت تغییر از پایین تا کل می شوند. هر چند هنوز توان و آمادگی دست یازیدن به اشکال کاملاً شکارو - انقلابی وجود ندارد، اما ایده سرنگونی رژیم در میان توده ها تصدیق می گردد. بحران اقتصادی شدت وحدت می یابد، تاراجاتی توده ها اوج می گیرد، شادای طبقاتی عمیق با فتنه و تظاهرات اجتماعی گسترده می شوند، حزب جمهوری اسلامی با دست زدن به سرکوب و وحشیانه و اعدام چنانکه کارخانه انقلابیون به موضع تشبیت و تحکیم خویش تا قوس مرکش را به در آورده است و در میان توده ها منفور و بی اعتبار تر می گردد. علیرغم پیگودهای وسیع و خانه گردیهای بیرویه، دستگیریهای وسیع و حملات سبانه، رژیم نتوانست ضربات اساسی بر نیروهای انقلابی وارد آورد، خلق کرد دلیرانه و مسلحانه در برابر

دوچندان شده بود، سرعت این حربه بورژوازی را نیز بسیار شتاب و اندکسی پس از شروع جنگ دوباره موج مبارزات کارگری با عمق و گسترش به مراتب بیشتری حرکت ربه اعتلا خود را آغاز نمود. در پایان سال گذشته اعتصابات کارگری در بسیاری از کارخانه ها جریان داشت و کارگران بطور وسیع در حرکت های دموکراتیک جامعه شرکت میکردند. در این دوره همراه با زده شدن اعتماد - نا آگاهانه کارگران نسبت به حزب جمهوری اسلامی و خمینی، توهم نسبت به بنی صدر در میان آنان رو فزونی پیدا کرد. این روند پس از ۱۴ آشفند شتاب هر چه بیشتری بخود گرفته بود.

در هفته های آخر مرداد ماه که برکناری بنی صدر از فرماندهی کل قوا و ریاست جمهوری عملی شد و تا نی بنی صدر در مقام به حزب سکوت و کناره رفتن وی از صحنه سیاسی همزمان بسیار زیادی - توهم کارگران را نسبت به بنی صدر فرو ریخت و بیش از پیش گرایش به نیروهای انقلابی در بین کارگران تقویت گردید.

سرکوب نیروهای انقلابی، اعدام - دست جمعی انقلابیون بویژه اعدام رفیق فدائی شهید سید سلیمان نورزاده و دیگران در میان کارگران پدید آورد، تنفر و انزجار از اقلیت آنها را برانگیخت. بحث های سیاسی در کارخانه ها و اوپو گرفت. بحث حول اعدام انقلابیون و سیاست سرکوب گرانده حزب جمهوری اسلامی محور بحث های کارگران - را تشکیل میداد. خواستهای اقتصادی - "کالا" تحت الشماغ خواستها و بحث های سیاسی کارگران قرار گرفته بود. نمونه - ها می مشاهده شد که کارگران کتابهای شعر رفیق سید را به کارخانه آورده و خوانده بودند. در بحث کارگران گرایش به نیروهای انقلابی کاملاً مشهود بود. انجمنهای اسلامی و صمیماً "منفرد و بی زوله شده و مورد - تنفر توده کارگران قرار گرفته بودند.

اما بدنبال سرکوبهای وحشیانه و جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی بویژه - پس از ۳۰ خرداد تاکنون که مدها تنفر بهترین فرزندان انقلابی خلق قربانی آن شدند و هزاران تن دیگر به سیاهال - ها رژیم کشا شده شدند و بویژه پس از انفجار بمب در دفتر حزب جمهوری اسلامی و تشدید سیاستهای سرکوبگرانه رژیم - اثرات خود را هر چند کوتاه مدت و موقتی بر روحیه توده ها از جمله کارگران و اشکال مبارزات آنها بر جای گذارده و سکوتی توأم با خشم و نفرت در میان کارگران دیده می شود. سکوتی آشکار که از خود علیانی انقلابی حاکی از همبستگی با مبارزین اعدا می - اسیر سخن می گوید. اکنون با سداران و کمینته چها بهر شما نه دم در کارخانه ها مستقر شده اند و به بهانه حمل بمب به بارزی بدنی کارگران هنگام ورود و دیده کارخانه می پردازند. انجمنهای اسلامی قدرت یک تازیانه از میدان شده اند و بسیاری از کارگران پیشرو هر کسی که قبلاً توسط

رژیم جمهوری اسلامی در طول دو سال و نیمه اش همواره تلاش کرده تا دستاوردهای قبایم بهمن ماه و مواضع دموکراتیک را - که توده ها با قیام و مبارزه خویش کسب کرده بودند از آنها زستانده و ترور و اختناق را بطور کامل حکم فرما سازد، اما هر بار - با مقاومت توده ها روبه رفته و مجبور به عقب نشینی شده است. یورش سراسری و همه جانبه ۲۸ مرداد سال ۵۸ یورش وحشیانه به خلق کرد و ترکمن، یورش به دانشگاهها در اردیبهشت سال ۵۹ بارزترین نمونه های حمله رژیم برای محو دستاوردهای دموکراتیک توده ها است.

وجه تما یز یورش اخیر رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب نیروهای انقلابی و فرو نشاندن جنبش توده ای، در دو قسمت وادامه گسترده آن، گشتار و اعدا می های به سابقه و تکیه بیش از پیش بر ارگانهای منظم غیر منظم سرکوب و فقدان بسیج وسیع توده ای است.

در هفته های اخیر، شهرها و روستاهای میهن مان عرصه تاخت و تازهای وحشیانه و چنانکه کارخانه حزب حاکم وادگاههای تابمه آن بود، در این مدت هزاران تن از نیروهای پیشرو و انقلابی دستگیر و زندانی شدند و دهها تن از بهترین - فرزندان خلق به جوخه های اعدام دادگاههای انقلاب سپرده شدند. موج دستگیری - کارگران پیشرو در کارخانه تاجات ایجاد سیاهالی یافته، مدو به نجاه غرق، صدف، شمت، نفر، دستگیریهای گروهی و دسته جمعی کارگران پیشرو، اهمیت فزاینده کارگری رژیم را به تنگنای آشکارا رهاخت.

موج سرکوب و گشتار که بویژه پس از نیم گذارید در دفتر حزب جمهوری اسلامی خشنونت بارزتر گشته، وقعه ای کوتاه در مبارزات کارگران ایجاد کرده و سکوتی توأم با خشم و نفرت را در میان کارگران دامنه زده است.

بررسی این وضعیت کارگران و ترسیم چشم انداز آتی مبارزات کارگری و کوشش برای کشاندن کارگران به عرصه فعال مبارزه و اتحادات کتیکها می که بتوانند توده های کارگر را به مبارزه کشانند، - نیروی عظیم طبقه کارگر را در مسیر صحیح هدایت نماید برای جنبش انقلابی حائز اهمیت درجه اول می باشد.

برای بررسی وضعیت کنونی جنبش کارگری کمی به عقب بزم میگردیم، به زمانیکه مبارزات گسترده کارگران با آغاز جنگ بین دولتهای ایران و عراق - با افضی موقتی رو بر و گردید و بورژوازی نتوانست برای مدتی کوتاه با بسط - انگیختن احساسات و شور میهن پرستی کارگران و دستاویز قرار دادن جنگ مبارزات کارگران را سرکوب نموده و وقفه ای کوتاه در مبارزات کارگران به وجود آورد. اما تار به تولید بیشتر فرا خواند. اما این فریب بورژوازی دوام - نیافت. اما اهمیت تاریخی جنگ بیسن دودولت بهر آن شدید اقتصادی و سیاسی، فقر و فلاکت عظیم توده ها که با آغاز جنگ



باتصویب طرح الحاق دادگاههای انقلاب به دادگستری قصابخانه‌های جمهوری اسلامی شکل قانونی و همیشگی می‌یابند

مردم ما سیاه و چشتاک عملکرد این قصابخانه‌ها را از همان ماه‌های پس از قیام در سرکوب نیروهای انقلابی و شوه‌های مبارز دیده‌اند. آنها دیده‌اند که حتی رژیم در این دادگاه‌ها از جانب ساواک نظیر تهرانی و آرش برای کوییدن سازمانهای انقلابی استفاده کرد. مردم بیاد می‌آورند که چگونه هشت ماه پس از قیام همین بیدادگاه‌ها در کردستان به دستور خلخال‌جی جنایتکار در کشتار و سرکوب و گریز بیانی و... را با محاکمات چند ساعته بجوخه اعدام کشتار و سرکوب و گریز بیانی و... را با محاکمات آن در سراسر جهان بلندند. مردم دیدند که چگونه یکی دیگر از این قصابخانه‌ها بسرکردگی فکیم جانی که پرونده‌ها جنایتش شهره عام و خاص است در کرمان برادران میرشکاری، این فدائیان خلق را که گناهی جز آنکه می‌دادن به کارگران از طریق توزیع کتاب در بین آنها نداشته اند با محاکمات چند ساعته اعدام کرد. مردم فرا موش نکرده اند که بدست همین بیدادگاه‌ها و دستور خلخال‌جی بود که حکم قتل چهار رهبر خلق ترکمن: توماج، جرجانی، واحدی و مختم‌مادر شد ولی از ترس مردم داستانی فلابی ساختند که گویا بدست یک گروه ناشناس کشته شده‌اند. با مردم بخاطر آنکه چگونه بدست این قصابخانه‌ها دکتر نریمیا - پزشک خلق و دهها مبارز انقلابی و مبارزان خلق عرب در اهواز و سایر شهرهای خوزستان با اعدام محکوم شده و بجوخه‌های اعدام سپرده شده‌اند. همین بیدادگاه‌ها بودند که پس از "تسخیر" سندج در بهار ۵۹ - دسته‌دسته دختران و پسران مبارز کرد را در سندج، سقز، مها بادو... به‌جوخه اعدام کردند. و با لایحه همین با مصطلاح دادگاههای انقلاب با قصابخانه‌های جمهوری اسلامی که سران خائن ارتش را آزاد می‌کنند و میرانشظام را با آنهمه مدرک جاسوسی را تنها به زندان محکوم می‌کنند در سه هفته اخیر بیش از صد نفر از انقلابیون وابسته به سازمانهای فدائیان خلق، مجاهدین خلق، پیکار و سایر مبارزان را در تهران، تبریز، اصفهان، بابل، رامسر، چالوس، بهشهر، اهواز، قائم‌شهر، کرج و... با محاکمات چند ساعته و بدون رعایت کوچکترین موازین قانونی و بشری به شهادت رساندند. آنها با اعدام انقلابیون و مبارزانی چون سعید سلطان‌پور، محمد قاضی، رحمانی و دختران و پسران ۱۴ ساله که به آلمان خلق وفادار ماندند کینه‌دهنده خود را به مبارزان و درنده‌خوئی خویش را نشان دادند. سیاه عملکرد این بیدادگاه‌ها، ما هیت ضد خلقی، ضد بشری و قرون وسطائی این قصابخانه‌های جمهوری اسلامی را برای توده‌های میلیونی خلقهای مآشکار ساخته است. قصابخانه‌های که در قاصوت و سنگدلی و نقض تمام موازین بشری تنها بیدادگاه‌های فاشیستهای هیتلری، جنایات آمریکا در ویتنام و صهیونیست‌ها در فلسطین قابل مقایسه است.

و اکنون دولت جمهوری اسلامی سال قانونش را با قانونی واداشی کسردن چنین ابزارهای سرکوب ضد خلقی بجلو میبرد و در این میان تمام خائنان و مردان به طیفه کارگرو خلق که نقش مشاطه‌گری رژیم را بر عهده گرفته‌اند بر این اعمال جنایتکارانه صحنه می‌گذارند!

در گرما گرم یورش حاکمیت به حقوق و آزادیهای مردم، شکنجه و اعدامهای دسته جمعی مبارزان و انقلابیون و کشتار مردم در کوچه و خیابان و دستگیریهای وسیع مردم و پرکردن زندانهای رسمی و غیر رسمی از آنها و خانه‌گردیهای گسترده که خاطرات خانه‌گردیهای سالهای سیاه رژیم شاه را زنده کرده است، مجلس شورای اسلامی ماده واحده الحاق دادگاههای انقلاب به دادگستری را به تصویب رسانده و ماده واحده میگوید: "دادگاهها و دادگاههای انقلاب بخشی از دادگستری جمهوری اسلامی است و زیر نظر شورای عالی قضائی اداره میشود و طبق مصوبه ۵۸/۳/۲۷ شورای انقلاب عمل خواهند کرد."

با این ترتیب، دادگاههای انقلاب که بعنوان دادگاههای قضائی و پسرای مقابل با عوامل رژیم شاه در ماههای اولیه بعد از قیام موجود آمدند و پس از مدتی کوتاه بدل به قضائی علیه نیروهای انقلابی گردیدند و مطابق قانون اساسی دست بخت خودشان می‌یابستند منحل شوند، با این ماده واحده صورت رسمی و قانونی یافته و بصورت دائمی تثبیت شده‌اند. این دادگاهها که از نظر نحوه دادرس و چگونه ضابطه‌ای را رعایت نکرده و مطابق آنچه عملکرد آنها نشان میدهد ظرف چند ساعت پس از دستگیری و حتی قبل از آزار و اذیت بازداشت شده را اعدام می‌کنند دادگاههای هستند که یکدهه جنایتکار حرفه‌ای بنام حاکم شرع نظیر خلخال‌جی، فکیم، کیلانی، ایمانی و حتی... بر آن حاکمیت و دستشان تمام مرفق در خون انقلابیون و مبارزان قرار گرفته است. این دادگاهها احکام خود را بموجب قوانین دوران رضاشاه و محمد رضا شاه (قوانین دادرسی ارتش و مقدسین علیه امنیت کشور - مصوب ۱۳۱۰) و مقررات شرع صادر میکنند. زیرا مصوبه ۵۸/۳/۲۷ شورای انقلاب که مورد استناد ماده واحده قرار گرفته است، بجای دادگاههای نظامی دوران شاه، دادگاههای فوق العاده رسیدگی به جرائم ضد انقلاب را پیش بینی کرد، ولی از نظر قوانین همان قوانین سابق را ناظر بر آنها دانسته و در حقیقت وظایف ساواک و دادرسی ارتش را برای آنها تعیین کرده است. تجربه دوسال گذشته و عملکرد این بیدادگاهها نشان داده است که این قصابخانه‌ها دست بیداد - گاههای نظامی رژیم شاه را از پشت بسته و در صورت احکام جنایتکار دستشان به مراتب بازتر از آنهاست. زیرا این دادگاهها علاوه بر اینکه حق دارند از تمام قوانین ضد خلقی رژیم شاه علیه انقلابیون، کارگران مبارز، دهقانان محروم و خلقهای تحت ستم و... استفاده کنند هم چنین بموجب ماده واحده حق دارند... طبق فتاوی امام مظلوم و در مواردی که از جانب امام فتوائی صادر نشده است طبق منابع دیگر معتبر اسلامی که از جانب شورای عالی قضائی با آنها ابلاغ گردید عمل کرده و رای را صادر کنند. و از این روست که مدتها عینا وین "مفسد فی الارض" و "مخارب با خدا" مردم را می‌کشتند و زمانی دیگر با عینا وین "مردمی باغی" و با لایحه امروز با عنوان "باغی" دسته‌دسته فرزندان انقلابی خلق را بجوخه‌های اعدام می‌سپرد.

۲۳ تیر... بقیه از صفحه ۶

"واقعیت اعتراف به توده‌ای که در آن زمانها از ناحیه‌ای بنا حید دیگر کشیده میشود، رشد عظیم آنها، سرعت توسعه آنها، تهور کارگران، کثرت میتینگها و تظاهرات انقلابی، مطالبه الحاق جریه‌ها - اول - ماه مه، توان بودن اعتراف به سیاسی و اقتصادی که ما از همان انقلاب نخستین روس با آن آشنا هستیم، تمام اینها جنبه واقعی جنبش، یعنی انقلابی است. توده‌ها را برای اولین نشان میدهد - (لنین - اعتلای انقلابی)

ترددی نیست که جنبش کارگری در آن ایام در بیشترین شرایط ممکن و در حالت اعتلای قرار داشت. اما برخورد رهبران شورای متحد مرکزی با جنبش کارگری و جنبش توده‌ای بطور کلی حاکی از عمق نظرات اپورتونیستی حزب توده است که در آن شرایط اعتلای جنبش کارگری را نه بخت گسترش مبارزات - ضد امپریالیستی - دموکراتیک مردم ما بلکه بخت دست برداری نوعی توازن میان امپریالیسم انگلیس و دولت شوروی گرفت. فشارهایی که از طریق اتحادیه‌های کارگری در جنوب بر شرکت نفت وارد می‌شد، وسیله‌ای بود برای اینکه استعمارگران در جنوب حدود و درواست و مناسبات خود را متعین نشان را رعایت نمایند. از این رو بود که حزب توده به تنها چیزی که توجه داشت اعتلای جنبش کارگری، رهبری مبارزات توده‌ای بخاطر دستیابی به قدرت توده‌ای بود. حزب توده مبارزه ضد امپریالیستی بود. حزب توده در عمل سیاستهایی را دنبال میکرد که تابع سیاست خارجی حزب کمونیست اتحاد شوروی و مبتنی بر تحلیل اوضاع کلی جهان در آن شرایط بود. بدون این که این تحلیل‌ها در چهارچوب ملی و سیاسی و جنگی‌های جنبش در ایران منطبق شده باشد. بدین ترتیب بود که وقتی نمایندگان حزب توده بعنوان نمایندگان شورای متحد مرکزی کارگران در کنار نمایندگان دولت قوام و اردو خورستان شدند و در یک اجتماع ۳۰ هزار نفری برای کارگران - صحبت کردند و تشخیص نمایندگان دولت از نمایندگان کارگران کارآسانی نبود، آنها هر دو بقصد فریب کارگران، شکستن اعتصاب و آرام کردن اوضاع به نفع دولت مرکزی به آرایشگری توده بودند. از این رو بود که نمایندگان حزب توده، حامل هیچگونه پیمانی برای کارگران که بتوانند مبارزات رو بروش آنها علیه استعمار انگلیس را از هم ارتقا دهند نبودند.

بلکه برعکس کارگران را به سکوت، سکون و مصالحه و آرامش دعوت کردند تا با بسط کرسی‌های بیشتری را در کابینه قوام به دست آورند. در آن زمان نیز مسئله به گرفتن قدرت از بالا، نفوذ در ارگانهای حکومتی، کم توجهی به جنبش کارگری و جنبش توده‌ای، دنباله‌روی از منشی کلی و عمومی سیاست جهانی اتحاد شوروی از جانب حزب توده ضربه خود را بر جنبش کارگری ایران وارد ساخت و چنین بود که اعتصاب مدوینچه‌ها هزار نفری کارگران نفت جنوب با همکاری امپریالیسم انگلیس، ارتجاع داخلی و حزب توده مورد توجه قرار گرفت و به پایان ناموفق خود نزدیک شد.

امروز نیز حزب توده در قبال کشتار کارگران ایران، دستگیری و تعقیب - کارگران و فعالین سازمانهای انقلابی، موضع ضد انقلابی حاکمیت را تائید می‌کند و نشان میدهد که ما در قاصوت سیاسی - های رسوای گذشته خویش را بی‌گیری - نموده و از اصول خویش دست بردار نیست.

پیرامون یازدهمین اجلاس شورای سراسری صنعت نفت

یازدهمین اجلاس شورای سراسری صنعت نفت در اولین روزهای تیرماه با شرکت شوراهای عملیات پالایش تهران، شورای کارمندان پالایشگاه شیراز، شورای عملیات پالایش تبریز و شورای عملیات فنی اصفهان در پالایشگاه اصفهان برگزار گردید. دستور کار جلسات اعلامیه بیرونی خواست های کارکنان پالایشگاه شیراز و نحوه ادامه حرکت اعتراضی کارکنان این پالایشگاه بود.

این اعلامیه در واقع دنباله بحث ها و بررس های اجلاس یازدهم در تهران بود. در اجلاس یازدهم قرار بر این شده بود که شوراهای شرکت کننده در هر کدام جداگانه در مجمع عمومی خود مسائل و مشکلات و خواست های کارکنان پالایشگاه شیراز را مورد بحث و بررسی قرار داده و بر اساس نتیجه حاصله در اجلاس یازدهم شوراهای سراسری تصمیم گیری شود. لذا در این اجلاس شورای عملیات فنی اصفهان و شورای کارمندان پالایشگاه شیراز به وظایف خود عمل نمود و آمادگی همکاری خود را برای پیگیری حرکت اعتراضی اعلام نمودند اما شوراهای تبریز و تهران ضمن حمایت از خواسته های اصولی پالایشگاه شیراز نتوانسته بودند موضع روشنی در قبال حرکت اعتراضی اتخاذ نمایند. شورای عملیات پالایش تبریز اظهار داشت که به غفلت تجدید انتصابات شورای موفق به تشکیل مجمع عمومی نشده است و شورای عملیات پالایشگاه شیراز نیز به علت اینکه در مجمع عمومی ۲۰ مرداد ماه نتوانسته بودند به نتیجه قطعی دسترسی یا به تصمیم گیری رایج مجمع عمومی ۳ تیرماه ۶۰ موکول کرده بود، در نتیجه اجلاس یازدهم کار خود را با تصمیم گیری های زیر پایان داد.

۱- پالایشگاه های تهران و تبریز پس از مجمع عمومی نظر خواهی می توانستند همراه با دیگر پالایشگاه ها حرکت را دنبال کنند و اگر چنانچه موفق نشدند اعلام حمایت از حرکت کنند.

۲- پالایشگاه شیراز و اصفهان در روز ۴ تیرماه ۶۰ حرکت اعتراضی خود را (اعتصاب غذا) راه مدد بیک هفته به اجرا درآوردند. (این حرکت بصورت تحریم غذایی رستوران پالایشگاه شروع شد).

۳- کمیته ای بنام کمیته پی گیری در هر شهر تشکیل گردد و چنانچه نمایندگان و یا همکاران در ضمن کلیه شرکت کنندگان در اجلاس فوق اقدامات ضد کارگری ضد شورایی سید علی آیت الهی با زور و بی زحمت وزیر در صنعت نفت را محکوم کردند. آنها در پایان اجلاس یازدهم خود چنین اظهار داشتند:

در اطلاعیه مورخ ۱۷ اردیبهشت، سید علی آیت الهی در رابطه با برسمیت نشناختن شوراهای در صنعت نفت شدیداً محکوم میباید و دومین قدم که شوراهای پالایشگاه انقلاب بوده و بودن و نبودن آن توسط کارکنان معین میگردد و لاغیر آن چه در حاشیه این اجلاس قابل توجه است این است که شوراهای تبریز و تهران در عین حال که در حقانیت و

اصولی بودن کارکنان شیراز تردیدی نداشته و از اتانایید میگردند اما در اقدام عمل خود برای دست زدن به یک حرکت یک پارچه و متحد، مصمم نبودند. آنها هنوز یک گام از شوراهای دیگر عقب بودند. شوراهای تبریز و تهران نیز با موقعیت استثنائی روبرو شده، مثلاً آنها نیز سرکوب و اختناق را بحسب احساس میکنند. آنها نیز محورها جنبه های اسلامی حزب ساخته را که امروز بصورت کارکنان توطئه علیه کارگران مبارز ما درآمده و اشکارا اقدام به شتابانسی و دستگیری و تعقیب عنا مرفعالی شوراهای سایر کارگران قهرمان میکنند. نمیتوانند انکار کنند. هر روز در جلوشم آنها این زائده های رژیم سرکوب ترور، اختناق و خفقان و وظایف خود را در جهت ایجاد محیط رعب و وحشت به آشکارترین شکلی انجام میدهند. هدف آنها مستقیماً نابودی شوراهای دستگیری نمایندگان شوراهای ازمه باشند این نهادهای انقلابی است.

رژیم جمهوری اسلامی با استفاده از اداره بازرسی در صنعت نفت، انجمن های اسلامی، تقویت اداره حرکت و هها اهرم دیگر زیر حمایت ۳ بدستانی که سعی در آن دارند که کوچکترین صدای حق طلبانه کارگران را در گلو خفه ساخته و حتی مبارزات آنها را بخاک و خون بکشد. در چنین شرایطی خاموش نشستن، دم نکشیدن و تنها نظاره گر این اوضاع و احوال بودن راه تنها بعنوان حساب مبارزه شوراهای در راه حقوق شورایی و دفاع از دستاوردهای انقلاب دانست بلکه باید آنرا بحساب همگامی با ضد انقلاب و کمک به نابودی دستاوردهای انقلاب گذاشت. بد نیست جریان را از زبان خود کارکنان بشنوید:

شوراهای پالایشگاه اصفهان و شیراز ضمن توضیح اینکه "چرا کارمندان پالایشگاه ها دست به اعتصاب غذا میزنند" میبویسد: حقوق شورایی کارکنان را بسیر تمام مدتی می شود، شوراهای را با هزاران مارک و برچسب از محیط وظایفشان که دفاع از حقوق کارکنان و نظارت بر تولید و توزیع است دور می کنند. نمایندگان جنگ زده را در رابطه با احقاق حقوق جنگ زدگان صنعت نفت در ما شهروندان را سرور زارت نفت دستگیر میکنند و حتی دوش از آنان را به حبس ابد محکوم میکنند. تورم گرانی سرسام آور از یک طرف و کم کردن حقوق ها از طرف دیگر فشار را بر دوش حقوق بگیران که ما هم جزئی از آنان هستیم، افزون کرده است و بسیاری مسائل دیگر که در نامه ای به کفیل وزارت نفت و تمام ارگانهای مملکتی ارسال داشته ایم که همه مبین گوشه ای از مشکلات و دردهای ماست. دیگر چگونه میتوان سکوت کرد و دیگران را نیز به سکوت دعوت کرد؟ دیگر چگونه میتوان جوارعاً با موجود در پالایشگاه ها را نادیده گرفت؟ دیگر چگونه میتوان پذیرفت که حقوق مکتب از انقلاب که ما نا حق حاکمیت بر سر نوشت کارکنان میباید را به آسانی از دست

بدهیم. راستی چگونه میتوان با این فشار و تحریک و توطئه با این همه حرکات ضد کارگری، ضد شورایی، ضد مکرراتیک و در مجموع ضد انقلابی مقابله نکرد؟ پالایشگاه های تهران و تبریز، راهی جز حرکت یکپارچه و متحد، راهی جز همکاری و همگامی با شوراهای دیگر و راهی جز اقدامات عملی و استفاده از نیروی سر نوشت ساز - کارگران در نظر دارند؟

نتیجتاً ۳۰ شعبه از اجلاس یازدهم میتوان آموخت این است که هنوز ضرورت اتحاد عمل شوراهای سراسری را عمدتاً "پارهای شوراهای درک نگذاشته اند. در شرایط حساس و سر نوشت ساز جنبه های تمامی شوراهای، تمامی نمایندگان انقلابی و تمامی کارکنان مبارز صنعت نفت میباید جهت تقویت شوراهای استحکام هر چه بیشتر آنها، پشتیبانی از تصمیمات اجلاس های سراسری و عملی با ختن آنها بکوشند، میباید، بصورت فاع ضعیف خود را بر طرف ساخته و بداند که زمان زمان حرکت است. شوراهای نمیتوانند نظاره گر مرگ خود و در نتیجه مرگ یکی از مهمترین دستاوردهای انقلاب باشند. امروز ضد انقلاب مصمم - تر و لجوجانه تر از هر زمان دیگر کمر به نابودی این نهادهای ستاد است. اقدام همه جانبه، یکپارچه و مصمم و متحد کارکنان صنعت نفت در حمایت از شوراهای انقلابی و اجرای تصمیمات آنها در مقابل مسلماً مانع پیش روی ضد انقلاب خواهد شد.

عقب نشینی موقت

بقیه از صفحه ۷
پورش های رژیم مقاومت میکند، نیروهای انقلابی در این شرایط آبدیده تر میشوند و خود را برای رهبری مبارزات گسترده و پراگنده های توده ای آماده می کنند.

حزب جمهوری اسلامی با گسترش خشونت بمقام یک سیستم حکومتی، توهمیات دموکراتیک توده ها را درهم می ریزد و اقتدار قانون جمهوری اسلامی را در انظار زحمتکشان برهم میزند. روحیه انقلابی هنوز در توده ها درهم تنگ شده است، عقب نشینی موقت کارگران مقدمه تعرض جدید آنان خواهد شد. اقدام انقلابیون و وسیعیت رژیم تخم کینه و نفرت را نسبت به ارتجاع حاکم در دل توده ها کاشته است و بر اساس همین کینه و نفرت نهال تنومند مبارزه خلسی علیه رژیم جمهوری اسلامی شکان خواهد شد. مقاومت انقلابیون و کارگران پیشرو در دادگاه های ضد انقلاب، مقاومت توده ها در کارخانه، مزرعه، کوی و برزن افشاء وسیع جنایات رژیم ساعت اعتلای روحیه انقلابی کارگران و زحمتکشان خواهد گردید.

نهادان خلق در قلب بزرگ طبقه کارگران ایران جای دارند و قاتلان آنها ازمه امروز توسط تاریخ به چار میبخت کشیده شده اند.

تور، شکنجه، زندان، حربۀ غارتگران، آزادی سیاسی، شورای انقلابی، شعار زحمتکشان

رجائی

مهرهای جهت پیشبرد سیاستهای ضد خلقی حزب جمهوری اسلامی

جمهوری از سوی حزب جمهوری اسلامی
بشنااساندولی از سوی دیگرانچنان
چهره خود را نزد توده ها نمایان ساخت
و چنان منفور توده ها گشت که به پیشین
میتوان گفت حزب تنها از طریق توسل
به تقلباتی بزرگ، از طریق توسل به
تهدید و آزار، از طریق کشتن مردم
به پای صندوق بزرگ سر نیزه و اخراج
و دستگیری و در نهایت از طریق ابداع
دروغی بزرگ در تبلیغ آراء خواهد
توانست او را به ریاست جمهوری منتصاب
نماید.

خمینی چه گفت؟ بقیه از صفحه ۱۰

خمینی چه کرد؟

وعده انحلال ساواک...

می کردند. توده ها که خود می بینند
چگونه دستگیرشدگان مورد بدترین
ضرب و شتم و اذیت قرار دارند مسلماً
به ماهیت فربکارانه سخنان خمینی
پی می برند. آیت الله خمینی میگوید:
"به تمام اعضاء کمیته ها و زندانها کسم
میکند که بازندان این هرکس باشد به
طرز انسانیست و اسلامیت رفتار میکنند و
از آزار و مضیقه و رفتار خشن و گفتار
نا هنجار خودداری کنند که در اسلام
و حکومت عدل اسلامی این امور ممنوع
و محکوم است" اما توده ها دیگر بخوبی
به شکنجه های سیو عانه مزدوران جمهوری
اسلامی پی برده اند. توده ها بخوبی
میدانند که چگونه ما را الله قصاب هادر
خدمت رژیم جمهوری اسلامی قرار
دارند. چگونه مزدورانی چون لاجوردی،
زندانیان را مضروب و محجور میکنند
چگونه توأم ها و مختومه ها و جهان ها
توسط رژیم شکنجه و ترور شده اند چگونه
متم قریبی هادر جلوی چشم مردم ترور
شده اند. توده ها عکس جسد فدا شده شهید
سعید سلطانی و آزار ضرب و شتم را بر
صورت او دیده اند و میدانند که چگونه
مزدوران رژیم او را مورد بدترین
شکنجه ها قرار داده اند و چگونه او را به
جرم "سوء سابقه" یعنی مبارزه با رژیم
شاه یعنی تحمل شکنجه و زندانهای
آریا مهری یعنی آزادی تشنه تشنه و
پیمودن راه خلق اعدام کرده اند.
توده ها هر بار با دیدن این وحشیگریها
بیشتر و بیشتر به ماهیت فربکارانه
"سران و رهبران رژیم پی می برند.
توده ها در تجارب عملی خود در میابند
که رژیم جمهوری اسلامی در خدمت
سرمایه و سرمایه داری است. انسان
بسرعت دریا فته اند که فربخ خورده اند
هیچیک از خواسته های شان برآورده نشده
است. توده ها در میابند که خمینی تمام
وعده و وعده های خود را نقض کرده است و
با بدست گیری قدرت در خدمت
سرمایه داران قرار گرفته است.

با زرگان و چیزی بجز ترسیم سریع سیستم
و ایسته نبود. سیاستهای دولت رجائی
برای توده ها چیزی بجز تشدید گرانسی،
فقرو بیکاری، بجز تشدید سرکوب و خفقان
و ترور و بجز جنگ و آوارگی و خانه خرابی
ببارش آورد و در عوض برای امپریالیستها
فوائد و مزایای بسیاری را در برداشت.
دولت رجائی مبتکر حل مفتضحات
مسأله گروگانها بود. دولت رجائی بسا
وجود فربادهای عوام فربیده نشد
امپریالیستش تمام می سعی خود را در جهت
حل مسأله گروگانها بسودا امپریالیسم بکار
برد و الحق که در این مورد بسیار موفق بود
و بدین طریق چراغ سبز برای ترسکی را به
امپریالیستها نشان داد. دولت رجائی
مبتکر عقد قرارداد های سنگین اقتصادی
با امپریالیستها گشت و از آن جمله به
عقد قرارداد های با شرکت های خارجی چون
قرارداد تلپوت، قرارداد های چند
میلیاردی با کمپانیهای کروب آلمان،
میتسویی ژاپن و... پرداخت. دولت
رجائی زمینه مساعدی جهت کلاهبرداری
های کلان و دزدیهای افسانه ای از جمله
دزدی ۵۶ میلیون دلار معامله اسلحه
و کلاهبرداری ۴۸۰ میلیون فرانکی معاملا
شکر فرام ساخت (و این ها فقط موارد
معدودی از بیشمار مواردی است که
افشا شده است).

دولت رجائی، مبتکر تعدید و عقد
قراردادهای آریا مهری چون قرارداد
مجمع پتروشیمی بندر خمینی با ژاپن
و قراردادهای بسیاری دیگر با
امپریالیستها و اروپائی گشت و با آخرین
در زمان دولت رجائی سیاستهای ضد
خلق اقتصادی این دولت باعث کاهش
پی سابقه صادرات و افزایش بی سابقه
واردات کالاهای امپریالیستی گشت.
بصورتی که اقلام وارداتی در ۱۱ ماهه
اول سال ۵۹ نسبت به مدت مشابه در سال
۵۸ حدود ۱۲٪ افزایش یافت.

سیاستهای ضد خلقی دولت رجائی
بیش از پیش به وخامت اوضاع زندگی
توده ها افزود. دولت رجائی طسرح
افزایش مالیاتها را بصورتی که بار
کمر شکن آن بر توده های زحمتکش وارد
آید را شده اند و همچنین سیاستهای
خوبه بردن و افزایش نرخ تورم و دامن
زدن بیش از پیش به گران و فقسرو
فلاکت توده ها را باعث شد.

تنها لایحه بودجه ارائه شده از سوی
دولت رجائی بخوبی بیانگر سیاست
سیاستهای ضد خلقی دولت است. در این
بودجه بالاترین اقلام به خرید تسلیحات
نظامی از کشورهای امپریالیستی
اختصاص دارد و بیشترین تکی آن نیز
به ضرورت به همین کشورها قرار دارد.
و بدین طریق بودجهای امپریالیست
پسند و تشدید کننده بحران اقتصادی و
فقرو فلاکت توده ها است.

بهرور رجائی با پیشبرد این
سیاستهای ضد خلقی در مدتی کوتاه، از
سوئی توانست خود را بعنوان مهره ای
مناسب جهت کاندیداتوری ریاست

اینک پیشاپیش میتوان حدس زد
که حزب جمهوری اسلامی قصد دارد رجائی
را بعنوان رئیس جمهور آینده از صندوقها
ببیرون بیاورد مدتی است که تمام
بلندگروهای حزبی بکار افتاده اند.
پس از مقادیر زیادی زمینه سازی های
مفتضحات، پس از اینکه حزب جمهوری
اسلامی در هر مراسمی در قضاوتها که
به اسم مردم مارد نمود و خواستار
کاندیداتوری رجائی شد. پس از آنکه
در نمازهای جمعه و در راهپیماییهای
و مطبوعات حزبی از رجائی خواسته شد
که خود را کاندید کند. رجائی از سوی حزب
جمهوری اسلامی وضامت آن از جمله
"طالب حوزه علمیه قم، روحانیت مبارزه،
دفتر تحکیم وحدت، مجاهدین انقلاب
اسلامی و... کاندیدای ریاست جمهوری
گشت. آقای بهزاد نسوی نیز بکار
پیشگویی خود که مردم این دفعه حتمی
بیش از دفعه قبل در انتخابات ریاست
جمهوری شرکت می کنند (نقل به معنی
از معاصیه مطبوعاتی بهزاد نسوی) نشان
داد که حزب جمهوری قصد دارد بهر صورت
ممکن بزرگتر، تهدید و آزار و
تسلیمات، رجائی را با آرائی "ناپسند
توجه و چشمگیر" رئیس جمهور کند.

اینکه حزب جمهوری اسلامی رجائی
را کاندیدای خود کرده است چیز عجیبی
نیست. رجائی در مدت اشغال پست های
حکومتی بخوبی نشان داد که از سوئی
بخوبی قادر است سیاستهای ضد خلقی
حزب جمهوری اسلامی را در موارد محوله
پیش برد و حتی در موارد معینی چون
سانسور، تفتیش عقاید و سرکوب سنگ
تمام بگذارد و از سوی دیگر مهره سربراه
و مطبوعی است که او را مر حزبی را بخوبی
به آراء و آراء می آورد. اما این مسأله
که حزب جمهوری اسلامی قصد دارد چون
سایر موارد رجائی را مورد علاقه و حمایت
توده ها جا بزند، میبک بنظر می رسد
چون در این مدت توده ها چهره رجائی
را بخوبی شناخته اند.

رجائی کسی است که در پیست
وزارت آموزش و پرورش بشکلی قبیحانه
سیاست تفتیش عقاید، تنصیف و اخراج
به پیش برد. مدتها معلم را از اخراج
و "تنصیف" کرد. سیستم جاسوسی وسیعی
را توسط اجیرشدگان آموزش و پرورش
در آموزش و پرورش حاکم گردانید.
تفتیش عقاید را در مدارس برقرار کرد.
معلمینی را که از اقلیتهای مذهبی
بودند به بهانه های مختلف کتار نهاد
و حتی دانشجویان سربست معلم
را که از اقلیتهای مذهبی بودند
اخراج کرد. و حتی کار را به جاسوسانید
که در مقابل با نیروهای مترقی و جهت
جلوگیری از رشد آگاهی دانش آموزان
دست به کار انحلال آموزش و پرورش -
کردستان و لرستان شد.

سیاستهای دولت رجائی بر عکس
ظاهر عوام فربیده ای که به آند اند
چیزی بجز تداوم سیاستهای دولتی

مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست



انتخابات ریاست جمهوری را تحریم کنیم

با ردیگر انتخابات ریاست جمهوری فرامیبرد، رژیم جمهوری اسلامی در شرایطی این انتخابات را برگزار میکند که موج سرکوب، ترور و اعدامهای وحشیانه سراسر کشور را فرا گرفته است. رژیم در مقابل مبارزات اوچگیرنده توده ها سرکوب خود را شدت بخشیده است. شوراها و کارگری تحت شدیدترین فشارها قرار گرفته اند، انجمن های اسلامی در کارخانجات پیدا میکنند، بسیاری از کارگران دستگیر شده اند، اخراج هر کارگر مبارزی را تهدید میکنند، هر تجمعی، اعتصاب و راهپیمایی با گلوله پاسخ داده میشود. مبارزات دهقانان با یورش وحشیانه پاسداران مواجه است. خانه گردی، تفتیش بدنی درخیا با آنها امنیت مردم را از بین برده است. رژیم حملات وحشیانه خود را در گزستان شدت بخشیده است. هرا عترائی با گلوله پاسداران، کمیته های و سایر ارگانهای سرکوبگر و بر می شود و با تدهای سیاه حزب اللهی درخیا با آنها یک تازی میکنند. این انتخابات در شرایطی برگزار میشود که تمامی آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک مردم با یمنال شده است. نیروهای انقلابی هر روزه درخیا با آنها ترور میشوند. موج اعدامهای دیوانه وار رژیم شدت یافته است جوانان ۱۴ تا ۱۵ ساله به جرم شرکت در تظاهرات اعدام میشوند، زندانها از زندانیان سیاسی پر شده است و رژیم استاد یومها را به زندان بدل کرده، تمامی نشریات انقلابی در توقیفند و رادیو تلویزیون در قبضه رژیم قرار دارد. این انتخابات در شرایطی برگزار میشود که فقر و فلاکت زندگی توده های زحمتکش را فرا گرفته است. گرانی پیدا میکند، نه تنها بیش از سه میلیون بیکار و ناخواسته ها پیشان در سخت ترین شرایط زندگی میکنند بلکه کارگران شاغل را نیز غول بیکاری تهدید میکند. بر اثر جنگ ارتجاعی دولتهای ایران و عراق بیش از دو میلیون آواره جنگی در سخت ترین شرایط با مرگ و زندگی دست و پنجه نرم میکنند. صنایع بسیاری نابود شده و هزاران خانواده از مرگ فرزندان شان داغدارند. در چنین شرایطی است که حزب جمهوری اسلامی قصد دارد برای تثبیت خود انتخابات فرمایشی ریاست جمهوری را برگزار کند. مردم را بفریبند و به پای صندوقها بکشاند و به قبضه حکومت نکلی. قانونی و مشروع بدهد.

هموطنان! کارگران و زحمتکشان! انتخابات گذشته را بخاطر بیای و بریزم موجود یک ذره به رای مردم اهمیت نمیدهد. ولایت فقیه رای خودش را با لاترا ز همه مردم میدان رژیم در گذشته هر بار وعده داده که پس از انتخابات با تشکیل نهادهای حکومتی مشکلات توده ها حل خواهد شد. اما توده ها در تبارب عملی خود دیدند که نه تنها با تثبیت رژیم مشکلات زندگی توده ها حل نشد بلکه روز بروز نیز بر شدت آن افزوده گشت. توده ها هر بار به این امید به پای صندوقها رفتند که پس از انتخابات گرانی مهار شود، مشکل بیکاری و مسکن حل شود، آزادیهای سیاسی تامین شود. اما اینک دیگر تبارب عملی به توده ها میا موزد که رژیم جمهوری اسلامی به خواسته های آنان پاسخ نمیدهد. نه تنها مشکلات را حل نخواهد کرد بلکه روز به روز بر شدت آن نیز خواهد افزود. اینک روشناست که بقای رژیم جمهوری اسلامی، یعنی تشدید فقر، تشدید گرانی، تشدید بیکاری، تشدید سرکوب، اختناق، ترور، شکنجه و تشدید وابستگی به امپریالیسم.

مردم مبارز! حزب جمهوری اسلامی میخواهد برای قانونی کردن قبضه حاکمیت، رجائی، رارئیس جمهوری کند، رجائی کسی است که در مدت نخست وزیریش نزدیکی به امپریالیسم را بر سرعت هر چه تمامتر به پیش برد. گروگانها را به آن شکل مفتوحانه آزاد کرد. قراردادهای شکنجین تالیدوت، گروپ و میتسوئی را با امپریالیستها بست. رجائی کسی است که دولتش مالیاتها را - آنهم فقط در مورد توده های زحمتکش - افزایش داد و حمایت بیدریغ ارتجاع و سرما به داران بازار را پیشه کرد. رجائی کسی است که سیاستهای دولتش جز فقر و زافزون، گرانی، کمزگی و آوارگی و سرکوب چیزی برای توده ها بیار نیآورده است. اما مسلم است که حزب جمهوری اسلامی در راه انتخاب آواز هر حیل و نیونگی استفاده خواهد کرد. حزب جمهوری اسلامی انتخابات را به روز ۲۲ مرداد، درست یک روز بعد از ۲۱ ماه رمضان انداخته است تا از احساسات مذهبی توده ها حداکثر سوء استفاده را بکند. حزب در این راه مسلما "تقلبات وسیعی خواهد کرد، تبلیغات دروغین بسیاری را با زمان خواهد داد. مسلما "ا ز توسل به تهدید و ارعاب و ایجاد شایعه بائی نخواهد داشت. روشناست که حزب جمهوری اسلامی بالاخره با توسل به هزاران حیل و نیونگی کاندیدای مورد نظر خود را با آراء قلابی از صندوق درخواست آورد. اما اینبار تمامی این فریبها و نیونگیها نمیتواند توده ها را به پای صندوق بکشد. بلکه خود باعث افشای بیش از پیش رژیم جمهوری اسلامی خواهد شد.

مردم مبارز! کارگران، دهقانان، سربازان، روشنفکران، زحمتکشان! به پای صندوقهای رای نروید. انتخابات رژیم جمهوری اسلامی را تحریم کنید. مبارزات اوچگیرنده خلق و ناراضیاتی فرایینده مردم نشان میدهد که توده ها خواستار این رژیم نیستند. با تحریم انتخابات گام دیگری در جهت مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی، درجهت نابودی حزب جمهوری اسلامی و ایجاد مجلس مؤسسان دموکراتیک و انقلابی که رژیم مورد خواست توده ها را برقرار سازد بردارید. در این شرایط شرکت در انتخابات یعنی تثبیت جمهوری اسلامی، یعنی صحنه شدن بر سیاستهای فلاکت آور رژیم، یعنی صحنه شدن بر سرکوب، گشتار، ترور، شکنجه، اختناق و سانسور. در این شرایط شرکت در انتخابات یعنی پشت کردن به مبارزات خلق. اینک باید مبارزات را شدت بخشید، باید به ایجاد گسترش شوراها پرداخت، باید بدنه های مردمی چون کمیته های محلی را سازمان داد، باید تمامی کوشش خود را در جهت تقویت شوراها بکار گرفت و از این طریق مقدمات ایجاد مجلس مؤسسان و دموکراتیک و ملی را مهیا ساخت. تحریم انتخابات گامی است در این جهت.

تحریم انتخابات، ادامه انقلاب

مرکز حزب جمهوری اسلامی، زنده باد شوراها، انقلابی پیش بسوی تشکیل مجلس موسسان

زابد باد امپریالیسم جهانی، سرکردگی امپریالیسم امریکا و پایگاه انحلیش

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۲۰ تیرماه ۱۳۶۰



علیه دستگیری و اعدام انقلابیون پا خیزید!

هموطنان مبارز!

رژیم جمهوری اسلامی با اعدام مدهاتن از بهرترین فرزندان خلق و دستگیری هزاران انقلابی و مبارز در تلاش است که حکومت ترور و اختناق را بر میهن ما حاکم گرداند.

هم اکنون جان مدهاتن زندانی را خطر مرگ و تیرباران تهدید میکند. با اعتراض گسترده خود علیه دستگیری و اعدام انقلابیون و پشتیبانی از اعتراضاتی که علیه جنایات رژیم صورت میگیرد، متحدان "دربار بر سیاستهای سرکوبگرانه و جناحیتکارانه رژیم بمقا بله بر مییزند.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۲۰ تیرماه ۱۳۶۰

آوارگان جنگی تحت کنترل شدید پلیسی و زندگی مشقت بار
بصورت اسرای جنگی درآمدہ اند

بیش از دویلمیلیون آواره جنگی کشته قربانی جنگ ارتجاعی و سیاستهای ضد مردمی حاکمیت شده اند در گوشه و کنار کشور در سخت ترین شرایط سر میزند. برخورد مسئولین مملکتی با این هموطنان، که خانه و کاشانه شان را از دست داده اند بقدری غیر انسانی است که آنان مرگ را بر این زندگی خفت بار ترجیح میدهند. مسئولین اردوگاهها و واحدهای با صلاح امداد و حمایت جنگ زدگان از یکطرف با تنگ نظریهای خاص خود عدم توجه به احتیاجات رفاهی آنها را شنیدند! تحت فشار قرار میدهند و از طرف دیگر برای جلوگیری از انعکاس مسائل و مشکلاتشان و سرکوب هرگونه اعتراض آنها، با هموطنان آواره مرگنازک اسیر جنگی رفتار کرده و تمام مراحل آنان را تحت کنترل شدید پلیسی قرار میدهند. بطور نمونه برگ تعهدی که هنگام تشکیل پرونده برای اسکان جنگ زدگان در قوین از سرپرست خانواده اخذ میکنند و در تمام مناطق ایران مشابه آن وجود دارد مورد بررسی قرار میدهند تا روشن شود هموطنان آواره ما چگونه حمایت میشود؟ برگ تعهد "و احمایات از جنگ زدگان بنیاد ندهید" یک مقدمه دارد که در آن گفته شده: "اینجا تب.... ضمن تقدیر از زحمات و مهمان نوازی های...! شرعاً و قانوناً...! مواد زیر را تعهد نموده و به آن عمل خواهد کرد. و در آخر از سرپرست خانواده تعهد گرفته میشود که: "در صورت نقض هر یک از مواد فوق در اسرع وقت ساختمان را تخلیه نماید و با احدی چگونه تعهد مسئولیتی نصبت به ما نخواهد داشت." تصور کنید یک خانواده جنگ زده خوزستانی که خانه هزاران مصیبت به قزوین آمده تا سرپناهی بگیرد، در این شرایط روحی مقابل او برگ تعهدی میگذاردند او را و میخوانند که زحمات نکشید و مهمانی داده نشده - پذیردانی کند! و با امضای این تعهدنامه موافقت در معرض خطر اخراج از ساختمان باشد. اگر قبلاً کارش به زندان و اعدام نکشد، در بند تعهدنامه آمده است: "در ساختمانها هیچگونه عملی که جنبه اختلال تحریک داشته باشد مرتکب نشوم" معلوم است که "اختلال و تحریک" در قاضای زمانی جمهوری اسلامی به چه مفهوم است. هر اقدامی که در جهت احقاق حقوق و خواستهای آوارگان جنگی باشد از دید عوام ملت رژیم "اختلال و تحریک" تلقی خواهد شد. همین آنها برای آنکه میدانند کدو و کاههای انقلابی و در خدمت خلق در دادن آگاههای آنها و ارگان و تشکل آنان نقش داشته اند با تنظیم بند ۳ خواسته اند جنگ زدگان را از تماس با این نیروها بترسانند و وقتی نوشته اند: "از تماس با گروههای منحرف سیاسی در توطئه دارند پر هیز نمائید" بدین ترتیب می بینیم که مسئولین با قیامت اندیش! خواسته اند ارتباط با این فرمانروایان و زحمتکشان را با جامه غیره -

های پیشاهنگ قطع کرده تا گرفتار ریه‌ها و مشکلات و مسائل آنان بدرون جامعه کشیده نشود. چرا که می‌توانستند وقت‌های مازاد را به عنوان فرصت‌های پویو به‌خود، مازاد برای آگاهانه و مصممانه به پیش برده خواهند شد. زیرا رژیم وحشت دارد که جنگ زگان با کمک نیروهای مترقی - متشکل شده و در برابر حرکات و اعمال - مردمی، با حمایت معنایی به رخ بزنند.

اعتراضی قسراوانی دارند، این چنین تحت کنترل پلیسی قرار گیرند. تجربه یسای گذشته جنگ ایران و عراق و حرکت های اعتراضی این هموطنان محروم و زحمتکش ما که در مواردی به درگیری با مأمورین و پاسداران هم کشیده است هم برای رژیم و هم برای نیروهای انقلابی با اهمیت بوده است. رژیم که با این مشکل بزرگ روبروست بجای پاسخگویی به نیازهای هموطنان جنگ زده بنا به سیاست ضدمردمیش تنها در فکر اعمال شیوه های پلیسی و سرکوب خشن است تا با این وسیله جلوی موج ناراضی و تبدیل آن به یک جنبش وسیع را بگیرد. اما در مقابل، عمارت آگاه در میان هموطنان آواره جنگی و سازماندهی انقلابی تنها با مقابله اصولی و اساسی با این شیوه ها، آگاه سازی توده ها و کمک به تشکل های آوارگان در اشکال شوراهای آوارگان و سازماندهی آنان است که میتواند در جهت تأمین خواسته های این هموطنان و حل انقلابی مسائل آنان حرکت کند. تنها با مبارزه ای - متشکل و گسترده میتوان مسائل و مشکلات میلیون ها هموطن آواره مناطق جنگ زده را بشکل انقلابی حل کرد.

[illegible]

در بند ۴ تعهدنامه نوشته اند: " -
تسخیر و تصرف خود را پیش از پنج روز ترک -
کنیم و در صورت لزوم با اجازه واحد -
باشد " آیا این جزا قمت اجباری و اسارت
جنکی مفهومی دارد؟ این جزبه منتهی
کنترل و مراقبت پلیسی است؟ آنگاه
پس به بند ۲ تعهدنامه ما حاکم از اینست
که رژیم اولاً "ما چناندازه از تشکیلات
و ارگان و اعتراضات سازمان یافته
جست دارو نماند" چقدر از ارتباط آنها
با نیروهای انقلابی میترسد. دلیلیش
واضح است، زمینه های نارضایتی و
بالنتیجه انفجار در بین آوارگان جنگ
ده بقدری زیبا داشت که رژیم از شکل
گیری حرکات اعتراض و جست دارد. -
بیان که قربانی سیاستهای فذخلقی
و دولت ایران و عراق شده اند بدون این
که خود کو چکترین نقشی در این مسئله
داشته باشند خانه و کاشانه، کار و زندگی
و بسیار سرپرست خود را از دست داده و آواره
سپهر شده اند، دولت بجای آنکه از آنها
حمایت کند، سراسر بدتر از اسرای جنگی
با آنها رفتار می کند. آنها از نظر مسکن
سپهرها در مقاصع هستند، از نظر وسایل
زندگی در وضع اسف باری بسر میبرند
از نظر تامین مخارج زندگی در وضع
فاکرت باری قرار داشته و اغلب با نسان
نالی اسدوع میکنند. در چنین وضعی
دلیلی است که این هوطنان که دارای
بارعایتی شدید بوده و برای تان میسن
مداخل زندگی بخور و نمیر و سریتانیه

لغوامتحانات
بخطربزرگداشتشهدا

عده‌ای از دانش‌آموزان دبیرستان فارابی اشترنجان روز دوم تیر برای بزرگداشت فدائی شهید سیدسلطانپور یک دقیقه سکوت کردند.

یکی از دانش‌آموزانی که برای امتحان در جلسه حاضر شده بود قصد داشت متنی را در رابطه با محکم کردن اعدام‌های اخیر و بخصوص اعدام شاعرنویسنده انقلابی سیدسلطانپور بخواند تا اعتراضات مانع او می‌شد ولی دانش‌آموز دیگری با لای صدلسی بیرون رفتن تهیه شده‌ای خواند برای بزرگداشت شهید، یک دقیقه سکوت اعلام می‌کند. بعد از این دانش‌آموزان به پاسخ دادن به سؤالات مشغول می‌شوند تا نظر امتحانات با بهانه جوئی قسمتی می‌کنند دانش‌آموز موزور از جلسه اخراج کند، او نیز بعنوان اعتراض به رفتار ناظر، از جلسه خارج می‌شود، دانش‌آموزان دیگر نیز در اتحاد بسیار همکلاس خود، از جلسه امتحان خارج می‌شوند و با دست اندرکاران آموزش قصد دارند امتحان را بدون نظارت گرفتن کمیت دانش‌آموزان به اتمام بکنند.

از جنگ ارتجاعی زحمتکشان بیزارند دو میلیون آواره، نان، مسکن ندارند



پاسخ به سئوالات

مجلس مؤسسان چیست؟

است را ملحق کند. این کار بدون یک سلسله دگرگونی های اجتماعی و سیاسی ریشه دارنا ممکن است. تحقق کامل و قطعی این دگرگونی ها برپستریبشروی انقلاب بورژوا - دموکراتیک میسر میگردد. به همین دلیل پرولتاریا مجلس مؤسسان واقعی یا بصورت بهتر مجلس مؤسسان دموکراتیک و انقلابی را قضا میخواند. این مجلس همانطور که از نامش پیدا است، از دو خصیصه برخوردار است:

اولاً: نمایانگر اراده توده های مردم است ثانیاً: دارای قدرت تاسیس میباشد. بورژوازی ضد انقلابی تلاش میکند که این دو خصیصه را از مجلس بگیرد و آنرا به ارگانی بدون محتوا و آلت دست خود بدل سازد. از این رو گاهی نیست که به مجلس نسبت مؤسسان انقلابی شود و یا اینکه نمایندگان مردم در آن جمع شوند بلکه باید شرایط مادی برای اینکه این مجلس واقعی "دموکراتیک و انقلابی" باشد فراهم آید. این شرایط مادی کدامند؟

اول اینکه انتخابات برای این مجلس باید بر اساس رای گیری عمومی، مستقیم و مساوی و برای مطلق صورت گیرد و تمام مردم بدون هیچگونه امتیاز طبقه ای در آن شرکت داشته باشند. دوم آنکه این مجلس باید از امکان و توانائی مادی و عملی برای ایجاد شالوده های نوین در جامعه برخوردار باشد. این جنبه ها شرایط فوق العاده است. در تاریخ نمونه مجلس فرانکفورت در انقلاب ۱۸۴۸ آلمان را سراغ داریم که اکثر نمایندگان آن از بورژوازی - لیبرال تشکیل شده بود. لیکن بنام هیأت مؤسسان ظاهر "برای تاسیس جمهوری به وراجی و بحث های مبسطل و پیچیده نشستند. آنها بجای نابود کردن نظم کهنه رژیم سلطنت، ارگانهای آنرا دست نخورده نگذاشتند. در واقع با آن سازش کردند. این سازش زمینه ای شد که پادشاه فراری آلمان با تکیه آن - مجدداً "قدرت خود را احیاء کرد.

اما چگونه میتوانیم به جنبه دگرگونی جامعه عمل بپوشانیم؟ مجلس مؤسسان توده ای تا زمانیکه قدرت دولتی کهنه به حیات خود ادامه میدهد، از ایقاعی که بر سرش میخورد عاجز است. در حقیقت حفظ اتوریته - قدرت دولتی کهنه و ایجاد یک دستگاه نمایندگی توده ای که قدرت واقعی را در دست دارد، یک دگرگونی زکامی ندارد. برای این دو قدرت حرف میهملی است. بورژوازی خواهان همزیستی بین این دو است. تناقض موجود در آنها تنها از زاویه منافع بورژوازی قابل شنیدن است. همانطور که گفتیم بورژوازی با دموکراسی کامل مخالفت است چرا که پرولتاریا با استفاده از آن خود را متشکل کرده و علیه طبقه سرمایه بپسرد.

مجلس مؤسسان قدرتی است که بهر

با! انقلاب بورژوازی ۱۷۸۹ فرانسه، عمر نوینی در تاریخ نگاه بشریست آغاز شد. در طول این عمر تاریخی که تا کمون پاریس ۱۸۷۱ بطول انجامید طبقه بورژوازی بعنوان طبقه ای انقلابی رسالت نابودی نظام پوسیده و کهنه نشودالی و بجا تنظیم اقتصادی و اجتماعی نوین را بدوش داشت.

رشد آزاد و سریع سرمایه داری نیاز به آن داشت که آثار و عوارض اجتماعی و سیاسی نظم کهنه بطور قطعی محو و نابود شود. این خود از طریق یک سلسله اصلاحات دموکراتیک اجتماعی و اقتصادی میتوانست عملی گردد. آزادی سیاسی - شعاری بود که بر تارک اصلاحات فوق میدرخشید. بورژوازی تحقق این شعار را سر لوحه اصلاحات خود قرار داده بود. او یک شیوه انتخابی حکومتی - برقرار کرد تا بتواند اولاً: تمرکز سیاسی ایجاد کرده و بر خلاف نظام فئودالی یک ملت واحد، حکومت واحد، قانون گذاری واحد، منافع ملی طبقه ای واحد و مرزهای گمرکی واحد (اما رکن و انگلیس، با نسیف کومونست) بوجود آورد. ثانیاً: از طریق این شیوه حکومتی آزادی سیاسی را تضمین و حفظ آنرا تضمین نماید. او در قلمب شیوه فوق و بعنوان عالی ترین ارگان حکومتی پارلمان را قرار داد. در این مجلس نمایندگان طبقات مختلف قرار خواهند میبندند و طبقه تاسیس نظم نوین را بر عهده گرفتند. از این لحاظ بنام - مجلس مؤسسان خوانده شد. بر این اساس است که لنین مجلس مؤسسان را نهادی بورژوازی - دموکراتیک محسوب میکند: "در جمهوری بورژوازی، مجلس مؤسسان عالی - ترین شکل دموکراتیک است. (لنین) تدهای مربوط به مجلس مؤسسان - منتخب آثار - صفحه ۵۷۱.

انقلاب بورژوازی و آزادی سیاسی برای پرولتاریا بی اندازه مفید است زیرا او برای رهایی خود از قید سرمایه و در نتیجه رهایی تمام زحمتکشان از یوغ استثمار، میبایست قبل از هر چیز خود را متشکل سازد. برای این کار به آزادی - تجمع، بیان، مطبوعات... بطور کلی، آزادی سیاسی احتیاج دارد.

از طرف دیگر بورژوازی که مرگ خود را در رشد نگاهل شکل و آگاهی طبقه تاسیس پرولتاریا میبیند، علی رغم اینکه از نظری تاریخی طی دورانی بعنوان حامل آزادی سیاسی بشمار میاید، در برابر خواست فوق الذکر پرولتاریا میبایست، به همین خاطر لازم میاید که انقلاب بورژوازی در رویداد نهادها و شرایط کهنه بپسرد و قاطع نباشد. رژیم سلطنت و ارتش دائمی و غیره مورد تکیه، بورژوازی قرار نمیگیرد، پارلمان (بخوان مجلس مؤسسان) از - محتوای واقعی خود تهی شود و صرفاً - بصورت نهادی برای تضمین آزادی مبادله و تجارت، آزادی استثمار کارگران و - زحمتکشان درآید. بقول لنین: "تجمع بورژوازی در اینست که اطلاعات لازم یک درجهت دموکراسی بورژوازی بعمل میاید، کندتر، تدریجی تر، با احتیاط تر، ست و از طریق رفعم یافته از طریق (انقلاب) (لنین) - دواکتیک سوسیال دموکراسی.

از این دوره به بعد بورژوازی به طبقه ای ارتجاعی تبدیل میشود و طبقه تاریخی استقرار آزادی سیاسی، بردوش پرولتاریا گذاشته میشود. بر خلاف بورژوازی، پرولتاریا نمیتواند صرفاً "به صحبت آزادی سیاسی اکتفا، نماید بلکه برای تحقق و تضمین آن تمهیدات اساسی اتخاذ و اقدامات عملی و پیگیرانه ای دست میزند. در وهله اول باید تمام ارگانهای که تا فاسی آزادی سیاسی برای کارگران و زحمتکشان

باید توده های انقلابی استوار است. در حالیکه حکومت کهنه قدرتی است استبدادی متکی به سرکوب توده های انقلابی. از این رو حفظ اقتدار حاکمیت مطلقه و ایجاد یک مجلس مؤسسان واقعی اساساً - متناقضند. بورژوازی ضد انقلابی حتی اگر تحت فشار شرایط عینی تن به فراخوانی این مجلس دهد، تمام تلاش خود را برای نکته متعزز میبندد که آنرا به شیوه ای انقلابی متعزز سازد و بدینوسیله از محتوای واقعی اش تهی سازد. بر این اساس پیش شرط برقراری یک مجلس مؤسسان دموکراتیک و انقلابی - نگرانی حکومت کهنه و بجا بگزینی آن توسط دولتی متشکل از کارگران و زحمتکشان شهروند است.

در انقلاب ۲ - ۱۹۰۵ روسیه توده های مردم از طریق تجربه به ضرورت مجلس مؤسسان رسیدند. در ابتدا آنها به تحمل نا پذیری استبداد و ضرورت یک دستگاه نمایندگی توده ای پی بردند. ولی آنها تمیذاشتند که حکومت کهنه نشود و دستگاه نمایندگی توده ای که دارای قدرت واقعی باشد، باید یک دگرگونی را ترتیب دهد.

حوادث ۹ ژوئیه و فراخوانی دومای بولیگین و بدنبال آن اعتصاب اکتبر که منجر به انحلال این دوما گشت به توده ها علامتشان داد که برای دستیابی به آزادی، دلبخش کردن به توده های ابلهانه است بلکه باید به شیوه "متکی بود.

پس از اینکه تزار در ۱۵ مه ۱۹۰۵ - به محو آزادی ها پرداخت، توده ها قیام مسلحانه ندا میسررا عملی ساختند. علیرغم اینکه قیام شکست خورد، مبارزه مسلحانه علیه تزار ادامه یافت. تزار مجبور به فراخوانی دومای بورژوازی ویت شد. بلیشویکه این یکی را نیز تحریم کردند ولی چون توان کافی برای مقاومت کردن آن نداشتند از این تحریم نتیجه ای نگرفتند. اقدامات ضد انقلابی دومای "ویت" باعث شد که از یک طرف توهمسات مشروطه خواهی توده ها فروریزد و از سوی دیگر ما هیت واقعی بورژوازی لیبرال افشاء شود. جنبش انقلابی توده ای اوج مجدد گرفت. دومای "ویت" تحت فشار مبارزات توده ها منحل شد. در این جا بود که کارگران و دهقانان روسی به پیوستگی یک مجلس فاقد قدرت واقعی پی بردند. رویدادها و شرایط عینی مبارزه طبقاتی مسئله قدرت را در دستور کار قرار داد.

شمار بلیشویکها مبنی بر مبارزه برای سرنگونی حکومت استبدادی به منظور تشکیل مجلس مؤسسان به شیوه انقلابی بصورت شماراتی جنبش درآمد.

این تجربه برپارفت این حکم لنین را بار دیگر با ثبات رساند که پیش شرط تشکیل یک مجلس مؤسسان دموکراتیک و انقلابی سرنگونی حکومت مطلقه میبایست دولت موقت انقلابی که قدرت را در دست میگیرد از آنجا که ارگانی است برآمده، از قیام توده ها است، قادی به فراخوانی مجلس مؤسسان توده ای میباید. تنها برای بستن این مجلس مؤسسان به صورت قدرتی استوار بر توده های انقلابی نمودار میشود.

از طرفی دولت موقت انقلابی که به عنوان ارگان قیام توده ها شناخته میشود برای آنکه دارای قدرت و توان ایجاد یک رژیم جدید باشد، علی القاعده میبایست بر دو عنصر زیر استوار باشد: ۱- تشواری نمایندگان کارگران و دهقانان و سربازان. ۲- سازمان مسلح توده های.

لنین این دو عنصر را اساس موفقیت مجلس مؤسسان میداند. او در این زمینه میگوید: "ما من پیروزی و ایجاد

توده‌ها در انتخابات مجلس بی اعتبار شرکت نخواهند کرد

بقیه از صفحه ۱
شرا بطی که حزب با شبه کودتا شلیک بر آنها را کاملاً از میدان بدر کرده، در حالی که رژیم پوروش خود را بر نیروهای انقلابی مدچندان کرده و هر مخالفی را ولوبه آنها مدام شستن یک تشریف و یا شرکت در یک تظاهرات بخواهد عدا مبرده و ظرف سه هفته گذشته بیش از ۱۰ هزار اعدام کرده است و هنگامی که مردم در خانه‌ها در خواب با آنها بطرز وحشیانه‌ای دستگیر میشوند و در کارخانه‌ها دستگیر شده جمعی کارگران آگاه و مبارز پیدا میکنند، و هیچگونه روزنامه و نشریه‌ای از وجود ندارد، در چنین شرایط خفقان با ریاست که دولت تصمیم گرفته است انتخابات تریا ست جمهوری مجلس را انجام داده و بخيال خود مجلسی یکدست و گوش پفرمان حـزب جمهوری اسلامی بوجود آورد. اما همان طوریکه انتخابات میان دورهای در ۱۹ شهرستان در انتخابات موسمی از مردم دیگر رغبتی به شرکت در انتخابات مجلس شورا ندارند، ما در بررسی انتخابات میان دورهای دیدیم چگونه از یک شهر یک میلیون و دویست هزار نفری تریز تنها ۴۶ هزار نفر در انتخابات شرکت کردند چنین وضعی در شهرهای دیگر نظیر انزلی

و... نیز وجود داشت که تنها ۲۵/۴ درصد از اهالی در انتخابات شرکت کردند. هر چند با دوا کورژیم نظیر بهزاد نبوی در توجیه این امر، بی اطلاعی مردم از بهانه آورده و پیشاپیش قبول داد که در انتخابات آینده مردم وسیعاً!! شرکت کرده و حتی از دوره قبل هم پیشی خواهند گرفت!! اما حقیقت اینست که عنوان کردن بی اطلاعی مردم دروغی بیشترینست. رژیم زهفته‌ها قبل روی انتخابات در شهرهای آگاهانه تبلیغات وسیع کرد، آیت الله خمینی و امام جمعه تهران و امام جمعه شهرستانها شرکت در انتخابات در شهرهای مربوطه را یک وظیفه شرعی تلقی کردند. اما علیرغم این تمهیدات مردم رغبتی به شرکت در انتخابات از خود نشان ندادند.

شک نیست که رژیم در انتخابات دوم مرداد با توجه به جو اختناق و وحشتی که اینجا دکرده و خا هدگوشید و "لا تبلیغات وسیع و اینکه شرکت در انتخابات یک تکلیف شرعی است و با سواستقاده از تمام وسائل ارتباط جمعی و مساجد و ذهنیات توده‌های مذهبی (به خصوص در مساه رمضان) آنها را مجبور کند در انتخابات مجلس و ریاست جمهوری شرکت کنند، شایان تأثیر تجربه‌ای که در انتخابات میان دورهای خورده است سعی میکنند با وسائل مختلف به بسیج عملی عا مرنا آگاه و فشار عقب افتاده از طریق تطمیع آنها (خریدن رای) برای شرکت در انتخابات مبادرت کنند. ثالثاً "با توسل به شیوه‌های آریا - مهربوبی با اکندن شایعاً تی نظیر اینکه اگر کسی شما را همراه انتخابات مجلس چنین و چنان خواهد شد، مردم را به شرکت در انتخابات مجبور سازند. این چنین

شایعاتی کم و بیش در گذشته وجود داشته و اینروزها با محیط ترور و وحشتی که رژیم بوجود آورده زمینه قبول آن بیشتر هم شده است.

در چنین اوضاع و احوالی شیوه‌ها و تاکتیکهای مردم در جریان انتخابات هر چه باشد از پیش معلوم است که مردم نسبت به شرکت در انتخابات مجلس رغبتی ندارند و در وهما نظوریکه انتخابات میان دورهای نشان داد مردم عملاً آنرا تحریم کردند. زیرا بسیاری از مردم اعتقاد به مجلس و نهادهای حکومتی ندارند. علت عدم اعتقاد توده‌ها به مجلس معلوم است. مردم هنگامیکه در انتخابات با مجلس شورا در یک سال پیش شرکت کردند هنوز امیدوار بودی بآن داشتند. خوش بین ترین آنها فکرمی کردند مجلس با گذشتن گواهی مردمی به دنیا زها و آرزوهایشان با سخمشیت دهد. زیرا در آن هنگام رژیم تبلیغات میکرد تا هنگامیکه توده‌ها با قانونگزاران و اجرائی تشکیل نشوند نمیتوان انتخابات شروع -

اطلاعات اجتماع را داشت. و بدین ترین توده‌ها هم فکر میکردند از تریبون مجلس میتوان مسائل مردم را مطرح کرد و از آن به عنوان عاملی برای فشار و افشاگری استفاده کرد. اما حرکات کامیت و اعمال ضد دموکراتیک و ارتجاعی سردمداران آنها از همان ابتدا، توده‌ها را کاملاً مبه‌کام به ما هیت آنها و اقف ساخت. نحوه انتخابات نمایندگان اشکالاتی که بر سر انتخابات نمایندگان و اقدامات آنها در جریان انتخابات مسئله دوم مرحله ای کردن انتخابات باطل حوزه‌های انتخاباتی کردن استان و حذف چند نماینده انتخابات شده نظیر مسجد سلیمان - و بتبعی این اقدامات انتخابات چند شهر -

ستان که در آن امکان پیروزی حزب وجود نداشت، اولین عواملی بودند که سندیست مجلس را پیش روی توده‌ها زیر علامت سؤال برد. مرحله بعدی عملکرد این مجلس بود که بیش از پیش ما هیت ضد خلقی آنرا آشکار ساخت. مردم از خود سؤال میکنند: آنها از این مجلس شایسته‌تری بردند؟ کدام لایحه‌ای که در خدمت توده‌ها باشد تصویب رسیده است؟ اما توده‌ها بر عکس دیده‌اند که این مجلس از برای ست که تمام اقدامات ضد مردمی دولت و دستگاهها را سرکوب آنرا تصدیق کرده و بر آن مهر تأیید کوبیده است. مردم دیده‌اند که چگونه با زش به امپریالیسم امریکا بر سرگروگانها جاسوس توسط شعبده‌بازی این مجلس صورت گرفت. مردم دیدند که چگونه این عناصری که بنا بر نمایندگان ملت برکریهای مجلس سنا و شاهنشاهی تکیه زده‌اند مانند عروسکهای خیمه شب بازی آلت دست حزب بوده و آنچه را که این حزب خواسته است نظیر دادن رای عدم صلاحیت به ریاست جمهوری (صرفظراً از اینکه از دیدگاه توده‌ها صلاحیت داشته‌اند) انجام داده‌اند. مردم دیده‌اند که چگونه با صلاحتی نمایندگان هر طریقی لایحه‌ای را که برای سرکوب کارگران و و زحمتکشان و نیروهای انقلابی تنظیم شده در اسرع وقت تصویب کرده‌اند. پس این مجلس که

توده‌ها با آن امید بسته بودند نه تنها کوچکترین قدمی برای آنها برنداشت بلکه تمام عملکردش در خلاف منافع آنها بوده است. از اینروست که توده‌ها برای تکمیل نمایندگان این مجلس کمترین علاقه‌ای ندارند.

بر این اساس است که ما معتقدیم - تحریم انتخابات چنین مجلسی حرکت آز خواست توده‌هاست. این مهم نیست که حتی عده‌ای از مردم از روی و بیخاطمی پیشگیری عواقب عدم شرکت در انتخابات حتی بصورت ظاهراً شرکت کنند تا مهری در شانسانها بخواهد بخورد، نظیر آنچه در دوران آریا مهری به مردم تحمیل و نامنویسی اجباری در حزب رستا خیز به هیچوجه به منزله اعتقاد مردم به رژیم شاه و حزب رسوا خیزش نبود. آنچه مهم است بر خوردی است که توده‌ها به آنها دها کامیت دارند و پیشرو انقلابی با توجه با بین ذهنیات است که با پداتکتیکهای خود را انتخاب کنند. وقتی توده‌ها با بین آنها دها با و رند و آنها را ابزارهای تحمیل و سرکوبی در خدمت نیروهای ضد مردمی دانسته و آنها را طرد می‌کنند و میخواهند با شیوه‌های انقلابی مسائلشان را حل کنند در اینصورت پیشرو انقلابی دیگر حتی به عنوان تریبون (که در این شرایط تریبونی هم وجود ندارد) نمیتواند از آن استفاده کنند. از اینرو اگر تا کنون شرکت در انتخابات تریکال و اندی پیش تا کنون درستی بود (که بود) او به افشا کامیت - کمک میکرد و ما هیت آنرا نزد توده‌ها آشکار میساخت. امروز که ما هیت این نهاد برای توده‌ها آشکار گردیده و از طرف دیگر مردم می‌بینند که آنها حتی نمیتوانند گامی برای واقعی خود را از آگاهانه معرفی کنند چه رسد با اینکه در فعالیت انتخاباتی شرکت کنند در چنین شرایطی شرکت در انتخابات از نظر توده‌ها تا کنون عقب مانده و مردود است و بنا بر این تحریک فعال انتخابات مجلس و تشویق مردم به عدم شرکت در آن را از اهم وظایف نیروهای انقلابی است.

اما اینکه نحوه تحریم از جانب توده‌ها چگونه خواهد بود، اینکه بصورت عدم شرکت در انتخابات بودن رای باشد که مثبت ترین و فعالترین شکل تحریم است، چیزی که در تریز و انزلی و... در انتخابات چند هفته پیش انجام گرفت و توده‌ها تحریم فعال کردند، و یا اینکه عده‌ای تحت فشار کامیت مجبور به شرکت در انتخابات شوند و لیکن میفید - بیا نازند (که نتیجه آن خوردن مهر سرد شنا سنا مه باشد) یا هیت تحریم را تغییر نمیدهد. مسئله مهم بی اعتقاد دیوبسی اعتقاد دیوبه‌ها به نهادهای جمهوری لایق است که در بررسی حالات و روحیسات و اظهارات توده‌ها جان میگردد.

اما مسئله تحریم در خود، مسئله جایگزینی نهادهای انقلابی را مطرح میکند. هنگامیکه مسئله بی اعتباری نهادهای قانونگذاری و اجرایی را از آنجا که توده‌ها مطرح کرده‌اند است. در چنین حالتی آنچه برای توده‌ها مطرح است دستیابی به ارگان قانونگذاری

بقیه در صفحه ۱۶

تحریم انتخابات ادامه انقلاب

پاسخ به سئوالات

مجلس موسسان چیست؟

بقیه از صفحه ۱۴

آن (مجلس مؤسسان) تنها افزایش تعداد و تقویت شوراها را شامل نمیشد. کارگران سربازان و دهقانان و غیره و سازمان - یابی و تسلیح توده های کارگر می باشد. این تنها نام پیروزی است. (لنین) احزاب سیاسی در روسیه و واطش پارتی (ممنوعیتها و سوسیالیست های انقلابی پس از انقلاب فوریه و سرنگونی شزار با نقطه نظری مخالف و زیاده داشتند. آنها که انباشته از توهانات مشروطه طلبانه و آمیزش بورژوازی ما با نه میبودند تنها به اعلام جداگانه و تنهایی شعار مجلس مؤسسان بسنده میکنند. آنها تنها رهبری شوراها و تسلیح توده ها را به همراه مجلس مؤسسان رد میکنند. در حقیقت مسئله اصلی در فراخوانی مجلس مؤسسان جنبه حقوقی امر است. در حالی که بلشویکها از آوازه مبارزه طبقاتی با این امر برخوردار میگردند. آنها معتقدند که تنها با پیروزی شوراهاست که موفقیت مجلس مؤسسان تضمین میشود چرا که فراخوانی مجلس مؤسسان به سیر پیش رونده مبارزه طبقاتی بستگی دارد. بهر همین پایه اعلام میکنند که بدون یک انقلاب دیگر در روسیه بدون سرنگونی قدرت بورژوازی ضد انقلابی (کادتها در وهله اول)، بدون طرد اعتسادهای احزاب سوسیالیست انقلابی و منشویک از جانب توده ها، مجلس مؤسسان بنا تا سیر نمی شود و با مجلسی است نظیر فرانکفورت ۱۸۴۸ (لنین - توهانات مشروطه خواهی - جلد ۲۵-۲۶) خلق انقلابی ایران با این مسئله

از نزدیک آشناس. باید داریم که چگونه رژیم جمهوری اسلامی مجلس خبرگان را بنا به مجلس مؤسسان جازد و دیدیم که این مجلس خبرگان یک تحفه ارتجاعی بنام قانون اساسی را بخورد و توده های مردم و کارگران و زحمتکشان ما داد. قضیه بسیار روشن است. از این مجلس که نه به شوراها و انقلابی و نه به خلق آزاد و مسلم و نه به شیوه دموکراتیک انتخابات بلکه به نفی دستاوردهای قیام ۲۲ بهمن متکرم بود. جز این انتظار نمی رفت. بقول معروف از گوزنه همان تروا و دکه در اوست.

حال ببینیم که شرایط انحلال مجلس مؤسسان چیست؟ همانطور که گفتیم این مجلس تابع و محمول سیر عینی مبارزه طبقاتی است. پارتی را این مجلس را فرا میخواند تا کذا ربه نظام شورائی را میسر و مسلح گرداند. مجلس مؤسسان علی رغم آنکه عالی ترین شکل دموکراتیک بورژوازی است، نسبت به جمهوری شورائی که شکل عالی تری از دموکراتیک است را منجلی میسازد. یک گام به پیش ترقی میشود. همین دلیل در جمهوری شورائی وجود مجلس مؤسسان ثمری ندارد و اقدام سپردن قدرت به دست آن علی ارتجاعی و ضد انقلابی است.

با این همه بسته به تناسب قوای طبقاتی، پارتی را با علیرغم اینکه قدرت را در دست داشته باشد، میتوانست مجلس مؤسسان را فراخواند. برای روشن شدن مسئله به یک نمونه تاریخی دیگر رجوع کنیم: پس از انقلاب اکتبر، حزب کمونیست به فراخوانی مجلس مؤسسان تا کیبند داشت. خواست زحمتکشان این بود که مجلس موسسانی تا سیر شود و دستاورد های انقلاب اکتبر دفاعی و سیاسی قدرت شوراها، فرمان زمین، فرمان صلح، کنترل کارگری... را بر سمیت بشناسد. حزب کمونیست بر مبنای این خواست، مجلس مؤسسان را فراخواند. در این مجلس منشویکها و سوسیالیست های

انقلابی راست اکثریت داشتند. از این رو خواست فوق الذکر را مردود شمردند. آنها در شرایطی که همه قدرت در دست شوراها بود شعار "همه قدرت به دست مجلس مؤسسان" را طرح کردند و دیدنی سلیقه میخواستند انقلاب را یک گام به عقب کشانده و ورشکستگی نمایانند. شرایطی که ملا "مناقص جامع انقلابی شوروی را در بر گرفت. از یک طرف مجلس مؤسسانی وجود داشت که ضد انقلاب در آن اکثریت بود. از سوی دیگر شوراها با قدرت بودند که بلشویکها و سوسیالیست های انقلابی چپ در آن اکثریت داشتند. لنین با ارزیابی که از نیروهای طبقاتی و عمل آورد اعلام نموده که ترکیب کنونی مجلس محصول تناسب نیروهای طبقاتی پیش از انقلاب اکثریت و پس از آن تناسب نیروها بطور کامل و قطعی بود و پارتی را و دهقانان فقیر است. علاوه بر ژوازی و منشویکها و سوسیالیست های انقلابی - راست، خارج از مجلس در تدارک یک جنگ داخلی اندو ساز و علیه انقلاب - سوسیالیستی اکثریت را رهبری میکنند. مجلس مؤسسان ضربه بوشی است برای اقدامات ضد انقلابی آنها. همچنین به این اعتبار که علی الاصول نابود کردن مقاومت بورژوازی و ساختمان سوسیالیسم توسط نهادهای طبقاتی (شوراها) و نه موسسات عمومی (مجلس مؤسسان) عملی میشود. لنین - مجلس مؤسسان را در مقابل با دگرگونی سوسیالیستی جامع شوروی تلقی نموده لذا انحلال آن را به کمیته مرکزی حزب کمونیست پیشنهاد نمود و این یک نینز فرمان به انحلال آن داد.

کارگران با اتحاد و همبستگی خود رژیم را به عقب نشینی وادار کنید

کارگران! زحمتکشان ایران! در روزهای اخیر صدها تن از کارگران مبارزان انقلابی کارخانه های جنرال - موتورز، جنرال تایز، زامیاد، پارچین و ده ها کارخانه دیگر توسط پاداران - مزدور سرمایه بازداشت و زندان افتاده اند. رژیم جمهوری اسلامی موج وسیع اخراج و بازداشت کارگران را به بهانه های مختلف آغاز نموده است. اخراج و بازداشت کارگران در همان حال که ما هیت ضد کارگری و ضد خلقی رژیم جمهوری اسلامی را نشان میدهد. ترس و وحشت رژیم را از مبارزات توده ها و طبقه کارگر ایران این استوارترین و بیگیرترین طبقه انقلابی تاریخ نشان میدهد. کارگران! زحمتکشان ایران! اخراج و بازداشت دستجمعی کارگران مقدمه ای است برای سرکوب برای جنبش خلق و برقراری یک دیکتاتوری عیان گسیخته و آشکار. در برابر موج اخراج - ها و بازداشت کارگران به مبارزه برخیزید و از برادران کارگر خود دفاع کنید. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران ۲۰ تیرماه ۱۳۶۰

و فرهنگ امپریالیسم جهانی را به زیر کش کرده. کاروندگی مناسب را برای تمام شهر و ندان بخصوص زحمتکشان تا مین کرده و برنامها و انقلابی و اساسی را برای ایجاد میکن و سرپناهی مناسب برای میلیونها خاتوار ایرانی به پیش برده و بالاخره - آزادی های اساسی مردم ایران، آزادی تشکیل احزاب و گروهها و انجمنها و شوراها را تضمین کرده، آزادی مطبوعات و انتشارات را برای نیروهای خلق برقرار کرده و آزادی بهره مندی از حقوق مساوی برای زنان تا مین و تضمین حقوق خلقهای تحت ستم ایران و اقلیتهای مذهبی را برقرار کند. تنها و تنها مجلس موسسانی که بر قدرت شوراها و انقلابی توده ها متکی است میتواند این چنین خواسته های را تا مین کند و مجلس خبرگان، و نه مجلس شورا یا اسلامی و نه ریاست جمهوری، نه دولت، از این جهت است که مردم ایران با اعتمادی خود را به نهادهای ارائه شده از جانب حاکمیت یا تحریم و عدم شرکت فعال در انتخابات مجلس شورا و ریاست جمهوری نشان داده و اعتقاد خود را به ادامه انقلاب با پشتیبانی از مجلس موسسان دموکراتیک و انقلابی بظهور خواهند رساند.

توده ها در انتخابات...

بقیه از صفحه ۱۵

نویسنی است که کارگران واقعی حاکمیت توده ها باشند. اگر کسی که نقش تا سیر کننده و ایجاد کننده داشته و متکی بر قدرت شوراها و مسلح کارگران، دهقانان، زحمتکشان، سربازان و درجه داران و افسران جز و نیروهای وسیع خلق باشد. چنین اگر کسی تنها میتواند یک مجلس موسسان دموکراتیک و انقلابی باشد. مجلسی که با آنچه تاکنون - چه در زمان شاه و چه در طول عمر جمهوری اسلامی - وجود داشته تفاوت اساسی دارد. مجلس موسسانی که با مجلس خبرگان که تنها از ۷ نفر غیره تشکیل شده بود و نمایندگان کارگران، دهقانان، زحمتکشان و سربازان را خلق در آنجا نشانداشتند، تفاوت اساسی دارد. مجلس موسسانی که با مجلس شورای اسلامی، هم از نظر شکل و هم از جهت محتوا تفاوت اساسی خواهد داشت چنین مجلسی که تنها با نیرو و توانایی قدرت توده های انقلابی تشکیل خواهد شد قادر خواهد بود خواسته های توده ها را تحقق بخشد: استقلال واقعی از اقتصاد، سیاست

باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری" در کارخانه ها برچیده شود

انگلستان

«مردم» یا کله طاسها و ولگردان

تلاش های مذبوحانه طرح های ضد کارگری دولت امپریالیستی و نژادپرست انگلیس برای باطل کردن تحرکات و سرکوب جنبش توده های هر روز انگلیس و عریان تر و وحشیانه تری بخود میگیرد. دولت تا چرکه در استیلاست داشته باشد وضع قوانین نژادپرستانه و اخراج کارگران مهاجروا ایجاد تفرقه بین کارگران بومی و غیربومی بریدند. روز افزون بیکاری غالب آید. امروز سا و رشد و گسترش جنبش توده های رناتوانی ارگانهای رسمی سرکوب در برابر حرکات اعتراضی توده ها، خصوصا "زحمتکشان مهاجرزنگین پوست آسیائی که اکثر پاکستانی و هندی می باشند، در عین نفیست نیروهای و گروههای سبک باندهای سیاه و گروههای نژادپرست نژادپرست نیز توشل جسته است.

در پی درگیری های هفته اخیر در منطقه سیاه پوست نشین لیورپول و رشد و تعمیق جنبش توده های و پس از آنکه کنترل این بخش از دست پلیس خارج شد و ۸۵ پلیس در سرخوردن با جوانان سیاه پوست زخمی شدند و چندین گناه پلیس به شدت آسیب دید، پلیس لیورپول ناچار شد از شهرهای اطراف و از جمله منچستر کمک بخواد و صریحا اعلام کرد که "ما برای مقابله با جمعیت خشمگین درخواست وسایل اضافی نظامی کرده ایم". پلیس اینبار از یک گار فلج کننده به غیر از گاز اشک آور برای سرکوب تظاهرات کنندگان رنگین پوست استفاده کرد. اما از آنجا که دیگر این ارگانهای رسمی سرکوب جهت مقابله با حرکت توده ها و اوج گیری جنبش کافی نبود، باند های سیاه، دستجات نژادپرست شبه نظامی چون "کله طاس ها" و گروه های نژادپرست مانند "جبهه ملی (NATIONAL FRONT)" سیخ شدند تا با ایفا کردن "نقش مردم" و به اسم دفاع از منافع "جوانان سفیدپوست" به مناطق آسیائی نشین لندن و بخش "توکستیت" لیورپول که اکثر کارگران مهاجر در آن ساکن هستند، یورش برند (۴/۱۴/۶۳) تا بدین ترتیب حرکت های توده ای را توسط آن "مردم" سرکوب کنند باند هایی که عمدتا متشکل از افراد و پاش و ولگردان بودند، افرادی که مسلما "تادیروز در متروهای لندن با پنجه بکس و اسلحه مزدور کم به اقدامات جنایتکارانه ای دست می زدند امروز نیز به عنوان ابزار سرکوب در دست بورژوازی چون همتای ایرانی شان، "حزب الهی های"

وطنی به اسم توده ها و ولگردان علیه توده ها و در جهت سیاست های امپریالیستی عمل میکنند. بی مورد نیست که به ادعای پلیس فاشیت انگلیس نیز در این رابطه اشاره کنیم که اظهار داشته "سعی کرده است دو طرف را از یکدیگر دور نگه دارد" در حالیکه سخنگوی انجمن جوانان منطقه کارگر نشین لندن می گوید: "نژادپرستان در پشت صف های پلیس (بخوانید) پاداران سرمایه (سنگر گرفته بودند و پلیس دقیقا "از آنها حمایت می کرد."

دولت انگلیس نیز به مثابه رژیم مدافع منافع سرمایه داران و بهره کشی و حشیانه زحمتکشان پس از درگیری میان دستجات فالانژ و باند های سیاه و پلیس از یک سو و توده های زحمتکش از دیگر سو، سیاست های مداخله و اعلام میدارد: "بدنبال دخالت پلیس لندن برای پایان دادن به زد و خورد های میان جوانان سفیدپوست و آسیائی های بقم این شهر، اغتشاشات گسترده ای غرب لندن را دربر گرفت.... (ابتدا جوانان میادرت به پرتاب بمب های آتش زار و شکستن مغازه ها و آتش زدن یک ساختمان کردند که در این درگیری ۴۰ پلیس و ۲۰ غیر نظامی زخمی شدند و نفر ۱۱۱ دستگیر شدند."

(مقاوم کنید باند های دولتی ایران در موارد مشابه) دولت امپریالیستی انگلیس فکرمی کند که با بسیج آواشان و باند های سیاه و نیز تقویت ارگانهای رسمی سرکوب میتواند جلورشد مبارزات توده ها را سد کند و بر بحران اقتصادی فائق آید. اما زهی تصور واهی! اکنون این کل سیستم سرمایه داری امپریالیستی است که بخاطر گزندگی آن دیگر دوران زوال محتمل خود را طی می کند و مبارزات توده های زحمتکش نیز به پروسه این زوال سرعت می بخشند. و مهمترین آنکه راه "حل های کنونی نیز برداشته بحران افزوده است. مثلا هفته گذشته دولت انگلیس تصمیم گرفت از بودجه آموزش و پرورش بکاهد، تصمیمی که خود موجب بروز مشکلات دیگر در کشور خواهد شد که از آن جمله است لغو بیش از ۱۲ هزار پست دانشگاهی و بیکاری هزاران دانشجو و استاد و قطع افزایش اعتراضات مردمی برای نمونه اکنون اعتراضات کارکنان دولست که از ۱۸ هفته پیش آغاز شده بود همچنان ادامه دارد.

بهره کشی هر چه بیشتر از کارگران و زحمتکشان، به سرکوب شدید مبارزات کارگری و دستگیری و اخراج کارگران مبارز و پیشرو که در جهت منافع و حقوق واقعی کارگران مبارزه می کنند، توشل جسته است.

هفته گذشته در پی اعتصابی که در معدنی در جنوب شرقی آفریقای جنوبی بخاطر بهره رسمیت شناخته شدن سندیکای کارگری از سوی مدیریت شرکت صورت گرفت ۱۲۰ کارگر سیاه پوست را دستگیر و ۸۰۰ نفر از کارگران معدن را اخراج نمود.

آفریقای جنوبی

در پی تظاهرات گسترده چند هفته اخیر در آفریقای جنوبی که منجر به دستگیری تعداد زیادی از دانشجویان و حتی دانش آموزان کم سن و سال دوره ابتدائی گردید، رژیم نژادپرست حاکم برای این کشور، بر دامن سرکوب فاشیستی خود افزوده است. این رژیم در رویارویی با اوج گیری حرکات اعتراضی کارگری و بخاطر حفظ منافع سرمایه داران و

جنبش جهانی

کارگری - رها نی بخش



ایرلند

جیمک دانل یکی دیگر از مبارزین ایرلندی بخاطر اعتصاب غذای سیاسی طولانی مدت در زندان امپریالیستهای انگلیسی جان سپردا و با مرگ خویش پایداری خلق قهرمان ایرلند را در مبارزه، عادلانه اش در راه استقلال و آزادی با ر دیگر ثابت کرد.

یادش گرامی باد

تداوم مبارزه

علی رغم بوق و کرنا های مطبوعات امپریالیستی انگلیس مبنی بر انجام ابتکارات نوین "برای حل مسئله ایرلند و پایان بخشیدن به جنگ مذهبی بین پروتستان ها و کاتولیک ها" و علی رغم تلاش های مذبوحانه دولست انگلیس مبنی بر کاهش تعداد سربازان انگلیسی در خیابانهای بلفاست و "اولستریزا" بیون و سپردن پاسخنداری منافع امپریالیسم بریتانیا به عهده نیروهای امنیتی سلطنتی و اولسترولیس ش. بخش ایرلند شمالی، خلق قهرمان ایرلند و ارتش جمهوری خواه ایرلند، همچنان به مبارزه اش علیه امپریالیسم بریتانیا و دولست نشاندن اش تحت نام عوام فریبانه "دولت آزاد" و حکومت ایرلند شمالی که صرفا "به منظور تضعیف کل مبارزه ملی خلق ایرلند شکل گرفت، ادامه میدهد و هر روز بیش از پیش حاکمان امپریالیست را وادار به عقب نشینی می کند، بطوریکه در هفته گذشته در دویلین رسماً اعلام شد که دولت ایرلند جنوبی مجسازات اعدام یک ایرلندی بنام پیتر ارجز را به چهل سال زندان تخفیف داده است پیتر ارجز یکی از اهالی بلفاست است که در سال جاری مسیحی به مرگ محکوم بقیه در صفحه ۴

مستحکم باد پیوند جنبش طبقه کارگر و جنبشهای رهایی بخش

سراسر جهان

رفقای هوادار سازمان
در استکهلم نامه شمس
رسید. در پیشبرد
فعالیت‌های انقلابی و
افشاگرانه خود موفق
باشند.



پیام پیشمرگان سازمان از کردستان خونین بمناسبت شهادت رفیق سعید سلطانپور

۳۰ هزار تومان و یک پاسبان زنده در
مقابل جسد بیجان یک شهید خلق!

سعید گلوله سرخ خلق...

ما مرگت را با ورنخواهیم کرد
چون مرگ شرف و انسانیت با ورنما نیست
ما مرگت را با ورنخواهیم کرد چون
مرگ آزادی با ورنما نیست. شورایمان
همیشه زنده ای و غوغیت در رگهای یمان
جاری... اگر با یانی سرزندگی مبارزه
خلقها متصور باشد اگر با یانی بر شرف
و اینا ز وفداکاری متصور باشد آنوقت
بپذیرفتنی خواهد بود مرگ تو!
ما از کردستان مجروح و خونین از
کردستان قهرمان دروهای آتشین
خوبش را نشان تو میکنیم شمر تو ما ج شو،
شمر جهان تو امروز در سرا سر کردستان
طنین انداز است. همه از خوف میزنند
از کودکان روستائی گرفته تا پیر مردان
و پیر زنان خانه نشین. زن روستائی
چنان با تا شرا ز شهادت حرف میزند
تو گوشتی سالها در کنار هم زندگی کرده ای
از هر گوشه کردستان روزی چندین شعر
و نوشته به یاد تو سروده میشود و در خیابانها
و کوچه ها و روستا ها نام تو را بر زبان
میرانند. دژ خیمان رژیم خواستند بسا
اعدام تورو حیه یاس و شکست را بیه
جنبش اوج گیرنده توده ها حاکم سازند.
زهی خیال باطل که شهادت سزا غبار
نوبینی برای توده هاست. خون توست
خفته ها را بیدار خواهد کرد به ساز و کار
و خیانتکار ربه قلم بطلان خواهد کشید و

مفوف رزمندگان انقلابی را مستحکمتر
خواهد نمود. و اوج نوبینی در انقلاب
پیشرونده توده ها موجود خواهد بود و در خلق
قهرمان کرد و پیشمرگان ششم و تا شمر
ناشی از شهادت تو را به نیروی بر قدرتی
برای تحکیم مفوف خوبش و گسترش
مبارزه برای نابودی امپریالیسم و
جلادن خلق مبدل خواهند کرد.
پیشمرگان هم رزم در کردستان فدا
وار در راه آرمانهای و الاوائی توست
خواهند جنگید و به راهت ادامه خواهند داد
نه شهادت تو نه شهادت هزاران فدا
قادر نبوده و نخواهد بود در عزم را سخ
برای آزادی و استقلال و محو استعمار و
طبقه ای و برپائی سوسیالیسم علمی
و آردا و در پی نگاه خلق قهرمان
کرد و سوا یو خلقهای و طمان بهمسان
می بندیم تا آخرین قطره خون در راه
آرمان کارگران و زعمتکشان به مبارزه
خوبش ادامه خواهیم داد.
پیشمرگان انتقام خون
شهیدان خلق را خواهند گرفت.
درود بر تمام شهدای بخون خفته خلق
مرگ بر دژ خیمان و جلادان خلق
بهروز با دمبارزات اوج گیرنده توده های
و طمان
تا بودند با امپریالیسم جهان نیسر کردگی
امپریالیسم آمریکا و با یگانه داغ بخش
۴/۵/۶۰ پیشمرگان سازمان
چریکهای فدائی خلق ایران

در تاریخ ۴/۵/۱۳۶۰ هشت نفر از
افرادیکه به آنها میهای مختلف حدود
شش ماه پیش در میان دستگیر شده بودند
و در زندان رژیم بر می بردند. در
ارومیه به جوخه اعدام سپرده شدند.
رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی و فاجست
و دروغگوئی و پیشرویی را از حد گذرانده
است زیرا بعد از اعدام این افراد که
شش ماه پیش در زندان بودند را دیوهای
رژیم اعلام می کنند. نفر پیشمرگه
بحرم شرکت در وقایع اخیر اعدام
گردیده اند اگر مردم از دستگیری رفیق
فدائی سعید سلطانپور توسط نیروهای
انقلابی و وسایل خبری جهان آگاه
نگشته بودند رژیم حتی "اتهام رفیق
شهید را شرکت در وقایع اخیر اسلام
میگردید بهر صورت موضعی که خوانده های
هشت نفر شهید را رومیه برای تحویل
گرفتن اجاسا شهید را اجماع می کنند
دژ خیمان از تحویل اجاسا شهید
خود داری کرده و اظهار می دارند که
با بیت هر جنازه ۳۰ هزار تومان و یک
پاسبان زنده یا بد تحویل بدهند. که
خوانده شهید با شا هدیه این وضع میکند
مانده سی هزار تومان داریم و نه
حاضریم یک پاسبان زنده یا یک
جسد عوض کنیم. بدون اینکه اجساد
شهید را تحویل بگیرند برای آنان
مجلس یا دهمی گیرند که با استقبال
شدید مردم مواجه میشود.

فاجعه سینما رکس آبادان در مه اباد تکرار شد

۱۳۶۰/۴/۲ - سه شنبه در این روز
ما شین گشتی پاسداران و جاسا به کمپز
پیشمرگان جنبش مقاومت می افتد و با
تارنگ انداز و کلشیکوف مورد حمله
فرامی گیرند و اشرار این درگیری جاش
مفوف مها به داخل دبراقی و افراد دیگر
کشته می شوند و چند جاش دیگر زخمی
می گردند پاسداران مانند همیشه بسوی
مردم بی دفاع تیراندازی کرده و باعث
شهادت وزغ می شدن چند نفری می گردند.
لازم به تذکر است که ما شین پاسداران به
وسيله مردم آتش زده میشود و جاسا ز
خالد دبراقی را مردم با سنگ و آجر لگه
می کنند.

بدنبال این واقعه جنایتکاران
و جلادان رژیم جمهوری اسلامی نقشه
خائنه ای را برای انتقام کشی و کشتار
مردم برنامهریزی می کنند و در تاریخ
۴/۴/۶۰ عسپاه پاسداران مها باد برای
با ملاح خاک سیاری جسد جاش مسروق
مها باد (خالد دبراقی) که تاکنون دهها
نفر از جوانان انقلابی مها باد را
شنا ساش کرده و به جلو جوخه های تیر
فرستاده و با هنوز در زندانها بسر
میرند (مراسمی تدارک می بیند و تمام
کارمندان ادارات را تهدید می کنند که
در صورت عدم شرکت در مراسم با ملاح

نا مرقد یکی از فرماندهان سپاه
پاسداران بعد از کشته شدن خالد دبراقی
گفته بود که خالد را با بیست نفر از مردم
بهاک خواهد سپرد یعنی به انتقام خون
جاش کشتی بیست نفر از مردم را قربانی
خواهد کرد لذا در این روز صحنه ساختگی
تشییع جنازه را تدارک می بینند و
همزمان بروی مردم و مناطق دیگر
بشهرتیراندازی میکنند که در این
شوطه جنازه را تا ۸ نفر از کارمندان
مها باد و شهیدوسی نفرزخمی می گردند
و عده زیادی دستگیری می شوند. بلند
گوهای رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی
بلافاصله بعد از این جریان به مسند
درمی آیند و اعلام می کنند که پیشمرگان
بسوی مردم بی دفاع مها باد آتش
گشوده اند و فرماندار را زخمی کرده و
چندین پاسدار را کشته اند و حالیکه
جنازه خالد دبراقی یک روز قبل در
تپه ای نزدیک پادگان دفن شده بود
و مشخصی شد که این
برنامهریزی ها برای کشتار مردم
و انقلابیون و نسبت دادن آن به خود
انقلابیون برای توده های و طمان
مسئله تازهای نیست رژیم شاه نیز در
آخرین روزهای حکومتش با این
قبیل حرکات برای نجات خودش دست
بازیدماندها داشته سینما رکس آبادان
کشتار ۴۲ شهید و آتش زدن مسجد
کرمان. مردم مها باد که خود ناظر
صحنه بوده اند تک تکشان به ما هیست
این جنایت واقف هستند. و بدنبال
این قتل و عام مردم قهرمان مها باد
به نشانه اعتراض سه روز تعطیل و عزای
عمومی اعلام کردند.

تشییع جنازه مجازات و اخراج می گردند
و در این رابطه به تمام روسای ادارات
دستور می دهند که اگر کسی غیبت کند به
ما گزارش کند تا به مجازات برسانیم
ساعت ۱۲/۴۰ بود که جاسا و پاسداران و
با سبانه و کارمندان ادارات در خیابان
به حرکت درمی آیند پاسداران و جاسا
با دادن شمارهای بر علیه نیروهای
انقلابی می خواستند مخالفان را
شنا ساشی کنند و لی اکثر مردم پاسدار
خانه هایشان بودند با یاسی تفاوتی
به آنها نگاه می کردند و کارمندان نیز
که به روز آورده شده بودند از ترسشان
گاه گاهی زیر پایشان شمارها را تکرار
می کردند در نزدیکی چهارراه آزادی یکی
از جاسا طبق نقشه پیش ساخته به
تیراندازی هواشی می پسردا زد و
با پاسداران و دیگر جاسا بدنبال
تیراندازی تما شاجی ها و کارمندان
شرکت کنند و راه رگبار می بندند در
همین زمان از تمام قرا رگباری درین
شهر و تپه های مشرف به شهر که در دست
نیروهای سرکوبگر است بسویله کا لپیر
پنجاه و خمپاره شهر را زیر آتش
می گیرند و حتی به محلاتی که پیش از یک
کیلومتر از محل وقوع حادثه دور بود
تیراندازی می کنند که در این رابطه
مدرسه ویران می گردد و عده زیادی
دا نش آموز زخمی می شوند در این هنگام
تا بوسی که در دست پاسداران و جاسا
بود و می با یست جسد خالد دبراقی در آن
با شده زمین می افتد و مردم با حیرت
تمام متوجه میشوند که درون تابوت از
جسد خبری نیست و فقط چندتا با لش در آن
جا داده اند نقشه به این ترتیب بود که

سرکوبگران خلق کرد دشمن همه خلقهای ایران هستند

خبرهایی از جنبش مقاومت خلق کرد

انتشار اخبار اعدامها، در کردستان قهپان نفرت و انزجار مردم را برانگیخته است. اخبار مبارزات مردم ایبران و اعدامها توسط سازمان در کردستان بخش میشود و مورد توجه عمیق مردم است. پس از انتشار خبر اعدام رفیق شهید سیدسلطانپور شاعر انقلابی، نویسنده، هنرمند و فدائی خلق مردم کردستان که با انتشار او بیوزنه اشعاریکه مربوط به کردستان میباشد آشنا میباشند متأسر شدند در این رابطه رادیو حزب دمکرات کردستان ایران، در برنامه رادیوئی خود ضمن تشریح سوابق مبارزاتی سیدسلطانپور خاطره و گرامی داشته و اعلام میدارد که پیشمرگان کرد انتقام خون این شهید را خواهند گرفت.

در این رابطه تاکنون دفتر شیخ عزالدین حسینی - جمعیت مستقل مصلحان مبارز کردستان ایران هواداران جناح چپ - اکثریت در کردستان اعدام این انقلابی نامدار و سایر انقلابیون را محکوم نموده اند. همچنین از کردستان درباره رفیق شهید سید اشعار زبیدی منجمت "ربوبار" شاعر معروف کرد در باره اقامت کرده ایم که به علت کمبود جا از چاپ آن معذوریم. همچنین لازم است توضیح دهیم که در رابطه با دستگیری رفیق سیدسلطانپور اعلامیه های بسیاری از داخل و خارج دریافت کرده بودیم که به علت مواجه شدن با اعدام این رفیق انقلابی دیگر چاپ نام این نیروها موردی نداشت.



فشار و سرکوب رژیم جمهوری اسلامی بر تمام خلقهای ایران روز بروز گسترش مییابد. خلق کرد که از ابتدا زیر فشار نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی قرار داشت اکنون با اتکا به قدرت خود و نیروهای مسلح مردمی به مقاومت قهرمانانه اش ادامه میدهد.

پیشمرگان فدائی مفرپاسداران و جاشهار از آتش خود گرفتند.

شب شنبه ۶۰/۲/۱۲ پیشمرگان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران بمدت چهار ساعت قسمتهائی از شهر سقز و مناطقات مفرپاسداران و جاشهار را به محاصره خود درآوردند. مزدوران رژیم در این فاصله هیچگونه حرکتی نتوانستند انجام دهند.

پیشمرگان فدائی از ساعت ۱۱ تا ۱۲ شب مفر مزدوران رژیم را برضربه شدید آتش سلاحهای خود گرفتند. ضربه آنچنان بر سر آسا بود که این مزدوران تا ۱۰ دقیقه هیچگونه عکس العملی از خود بروز ندادند و سپس که خود را نتوان در پاسخ دادن به پیشمرگان یافتند محلات شهر را زیر آتش گرفتند. طبق اخبار غیرمؤثق در این عملیات از مزدوران ۴ نفر کشته و چندین نفر زخمی شده اند. پیشمرگان قهرمان همگی با نظم انقلابی و سالم به پایگاه خود بازگشتند.

طی روزهای گذشته درگیریهای شدیدی بین پیشمرگان حزب دمکرات و نیروهای سرکوبگر رژیم جمهوری اسلامی در جاده -

۷ شهید از یک خانواده در رژیم جمهوری اسلامی

بی دادگاههای رژیم جمهوری اسلامی در تبریز ۱۰ نفر را اعدام کردند در بین اعدام شدگان شهدا ما جد را مجد مصطفی سلطانی از برادران شهید کاک فواد وجود دارند. خانواده مصطفی سلطانی تاکنون ۷ شهید در راه آزادی خلق کردستان را بین خلق رزمنده نموده است. سازمان چریکهای فدائی خلق ایران شهادت این رزمندگان دلبر را به خانواده قهرمان این شهید تسلیم میگوید، و ایما داریم که خلق قهرمان ایران هیچگاه این جنایات را بی جواب نخواهد گذاشت.

جنایت پاسداران سرمایه در مشهد

پنجشنبه ۱۱ تیر پاسداران به خانه ای شبانه پور می برند و یکی از اعضای خانواده را که محصل و هوادار مجاهدین بوده است دستگیر می کنند. که فرد مذکور از دست پاسداران در حین دستگیری فرار میکند. پاسداران او را به گلوله می بندند و سه گلوله به کتف او شلیک می کنند پس او را به بیمارستان می برند، به محض این که مجروح زحالت بی هوئی در میآیند پاسداران او را - تحلیف غم مخالفست پزشکان مبنی بر بستری شدن مجروح - به زور می برند و شبانه اعدام میکنند. جبر این اعدام را حتی رادیو روزنامه های حکومتی نیز درج نکردند.

خبرهای کوتاه از شهرستانها آمل

شهید غلامعلی جعفری از مبارزینی بود که در کشتارهای وحشیانه سی و یکم خرداد در مقابل جوخه اعدام قرار گرفت او که هوادار سازمان مجاهدین خلق بود روز شنبه در جریان تظاهراتی فریاد آمل دستگیر و بلافاصله اعدام می شود.

در مراسم شب هفت این شهید هنگامی که جمعیت انبوهی جمع شده و خواهر شهید درباره خموضات او و نحوه وحشیانه اعدامش، درباره آثار شکنجه روی بدش سخن می گفت پاسداران به مراسم حمله کرده و مردم را متفرق کردند یکی از زندیکان این مجاهد شهید می گفت روز سوم حزب اللهی ها که همیشه در مدد از اروا ذیت خانواده های شهدا هستند خانه این مجاهد را سنگ باران کرده اند، افراد خانواده نیز به سنگباران آنها پاسخ داده اند، بعد از مدتی حزب اللهی ها به خانه نزدیک میشوند که به افراد آن حمله کنند که زن ها و بچه ها با فریادهای خود همسایگان را به کمک می طلبند و آنها می گزیرند.

بقیه در صفحه ۳

کتاب - شاهین دزجریان داشته که تا کنون یک قفسه کالبر ۵۰ - یک قفسه ۳۲ - یک دستگاه بیسیم - دو صندوق گلوله کالبر ۵۰ - صندوق گلوله ۳۲ - دو - صندوق نارنجک سر ۳ و دو صندوق نارنجک دستی از دشمن مصادره کرده اند.

- سازمان انقلابی زحمتکشان کردستان (کومله) در آراء اعدام چند نفر از وابستگان به این سازمان ۳ نفر از مزدوران رژیم جمهوری اسلامی را اعدام متقابل نموده است. این سه نفر عبارتند از: ۱- اژدر - زارعی (پاسدار) ۲- مهدی دقاغیان (پاسدار) ۳- سالزهدایتی (مزدور رژیم) کومله طی اطلاعیه ای در تاریخ ۶۰/۲/۱۲ این خبر را بخش نمود.

- در منطقه ترکور و مرکور طی یک درگیری بین پیشمرگان حزب دمکرات و مزدوران رژیم عده زیادی از مزدوران رژیم کشته و زخمی شدند. همچنین در این درگیریها ۴ نفر از پیشمرگان حزب دستگیر میشوند که بلافاصله اعدام میشوند (یاد این شهید گرامی باد).

- حزب دمکرات کردستان ایران در مقابل اعدام اسیران جنگی و اعدامهای سراسر ایران به حکم دادگاه انقلاب خلق کرده نفر از مزدوران رژیم را اعدام نموده است. در قسمتی از اعلامیه مربوط به این دادگاه آمده است:

دادگاه انقلابی خلق کرد که به بارها اعلام نموده است که مخالف شدید اصولی هر نوع آدم کشی است ولی همچنانکه قبلاً نیز به آگاهی عموم رسانده است در مقابل اعدامهای اسیران جنگی و کشتار مردم به دفاع شهنروستان های کردستان نمی تواند بی تفاوت بماند. از این جهت تا چاراست برخلاف میل خویش و تنها به منظور جلوگیری از دامنه پیدا کردن این اعمال بیشرمانه و غیر انسانی دستور اجرای حکم در مورد گروهی از جنایتکاران محکوم به اعدام را که همگی در حین جنایت دستگیر شده اند صادر نموده. کما این که دیروز هفتم تیر ماه به اجرای این عمل در مورد ۵ نفر از محکومین پرداخته و جسد های اعدام شدگان را تحویل پادگان مهاباده داده است. این ۵ نفر عبارتند از:

۱- **مهران عبداللهی** اهل سراب
۲- **احمد عباسی** اهل ورمان
۳- **رضا افشار** ارومیه
۴- **رضا قزازی** اهواز

در همین روزها از اعلامیه مربوط به این اعدام انقلابی آمده است که:

اکنون دیگر حکومت ارتجاع ارا اعدام انقلابیون چون "سیدسلطانپور" مبارزی که حتی حکومت شاه هم جرات قتل وی را نداشت و همه ندارد. اکنون دیگر به جوخه اعدام سپردن اسرا که نه در اسلام بلکه در هر قانون انسانی دیگری از ردیلا نه ترین اعمال ضد بشری بشمار میرود بطوری سابقه ای در سابقه عدل اسلام بیوزنه چاق بدستان گسترش یافته است.

اینست پاسخ خلقی که مسلحانه از حقوق خود دفاع می کنند.

پیش بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر